

شماره ۲۱۳
دوره چهارم سال نوزدهم
اول اسفند ۱۳۸۱
آمریکا کانادا ۱ دلار،
اروپا یک یورو

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی



مهدی سامع

mehdi_samee@yahoo.com

تظاهراتی که در عرصه‌ی جهانی در روزها و هفته‌های اخیر به ویژه در روز شنبه ۱۵ فوریه در ابعاد میلیونی صورت گرفت، نشان دهنده افزایش مخالفت‌های مردمی با حمله به عراق از سوی دوت بوش و تجلی بیداری وجدان جامعه‌ی جهانی برای زندگی در صلح و ثبات است.

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله ---

در ستایش قیام

صفحه ۳

گردهمایی جهانی در پورتوالگره

صفحه ۱۰

قطعه‌نامه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های سیاسی شرکت کننده در مجمع جهانی امور اجتماعی در پورتوالگره در مورد شرایط ایران

صفحه ۱۱

گزارش از برگزاری همایش سیاهکل در آلمان و آمریکا

صفحه ۳

سیاهکل آذرخشی در میان تاریکی

سخنرانی زینت میرهاشمی در آلمان - کلن

صفحه ۴

در همایش سیاهکل

سخنرانی منصور امان در آمریکا - دالاس

صفحه ۵



اخبار اعتراض‌های کارگران

و مزدبگیران

صفحه ۹

زنان و مسیر رهایی

صفحه ۱۲



پیام به زندانیان سیاسی و عقیدتی و فعالان سندیکایی؛ خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهدا و جانب‌خنگان؛ خانواده فعالان سندیکایی زندانی؛ خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای؛ خانواده‌های قربانیان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷؛ زنان و جوانانی که مورد آزار و اذیت نهاد سرکوبگر «امر به معروف و نهی از منکر» قرار گرفته‌اند؛

در صفحه ۲۰

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دست‌بندیهای درونی آن، هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی



عکس از برلین

که در میان این دو جریان قرار دارند هر یک به نوعی می‌کوشند تا هم جبهه خود را تضعیف نکنند و هم کاملاً در مقابل افکار عمومی کشور خود قرار نگیرند. اما آنچه مسلم است همه ی طرفهای درگیر می‌دانند که هدف دولت بوش و شرکا از این جنگ نه خلع سلاح صدام حسین، بلکه افزایش قدرت آمریکا و تسلط آن بر منابع نفتی استراتژیک به منظور حفظ و تثبیت هژمونی ضربه خورده اش و سامان دادن نظم نوین جهانی و جهانی سازی بر اساس منافع انحصارات نفتی و تسلیحاتی است. هر جنگی ادامه سیاست با ابزار دیگر است، اما همیشه سیاستی که منجر به جنگ می‌شود برای همه روشن نیست. برای بسیاری از جنگها بهانه‌هایی ساخته می‌شود که با هدفهای اصلی فاصله بسیار دارد. اما به جرئت می‌توان گفت که هدفهای جنگی که بوش در تدارک آن است برای اکثریت قاطع مردم جهان روشن است و همین شفاف بودن هدفها و مغایرت رفتار

بقیه در صفحه ۷

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

اوج مخالفت مردم جهان در روز شنبه ۱۵ فوریه بود که بنا به گزارشهای خبرگزاریها در اسپانیا نزدیک ۴ میلیون تن (بیش از ۲ میلیون تن در مادرید و بیش از ۱/۵ میلیون تن در بارسلونا)، در ایتالیا بیش از ۳ میلیون تن در رم، در انگلیس بیش از یک میلیون تن، در آلمان بیش از ۵۰۰ هزار تن در برلین، در فرانسه بیش از ۲۰۰ هزار تن در پاریس و صدها هزار تن دیگر در مناطق دیگر فرانسه، در استرالیا بیش از ۲۰۰ هزار تن در سیدنی، حدود ۱۵۰ هزار تن در شهر بندری ملبورن و بیش از ۱۰۰ هزار تن دیگر نیز در شهر «بریسبن» و همین تعداد در «آدلاید» و هزاران تن دیگر در داورین (استرالیا) و انگلیس تنها کشورهای هستند که به همراه آمریکا نیروهای نظامی‌شان را در اطراف عراق مستقر کرده‌اند، در سن فرانسسکو (امریکا) بیش از ۲۵۰ هزار تن، و در نیویورک حدود ۲۰۰ هزار تن (که بیش از ۲۵۰ تن از آنان توسط پلیس دستگیر شدند)، در ایرلند بیش از ۱۰۰ هزار تن، در یونان بیش از ۱۰۰ هزار تن، در سوریه حدود ۲۰۰ هزار تن در دمشق، در هلند بیش از ۱۰۰ هزار تن در امستردام، در هر یک از کشورهای بلژیک، نروژ، سوئد، سوئیس، مجارستان، نیوزیلند، فنلاند، کرواسی، دانمارک، لیتوان، لوکزامبورگ، هند، توکیو، مانیل (پایتخت فیلیپین)، هنگ کنگ، کلمبو (پایتخت سریلانکا) دهها هزار تن دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات جهانی سیاستمداران، فعالان سندیکاهای کارگری، فعالان محیط زیست، فمینیست‌ها، شاعران، موسیقیدانها، اعضای اتحادیه‌های تجاری، هنرپیشگان، نویسندگان، خوانندگان و جوانان نقش برجسته ای داشتند.

دانشجویان و جوانان در سراسر جهان به ویژه در اروپا و آمریکا با ترتیب دادن گردهماییها و تظاهرات همچنان خلاقترین، پویاترین و با انرژیترین فعالانی هستند که برای پیشگیری از حمله به عراق تلاش می‌کنند. در آمریکا دانشجویان دانشگاههای مختلف دست به ایجاد «سازمان اتحاد برای صلح زده و کیفرخواستی در محکومیت حمله به عراق تدوین کرده‌اند. براساس گزارش سازمان اتحاد برای صلح دانشگاههای آمریکایی که تاکنون کیفرخواست ضد جنگ را به تصویب رسانده‌اند عبارتند از: دانشکده ی رید، دانشگاه ایالتی پورتلند، دانشگاه تگزاس، دانشگاه سانتاکروز کالیفرنیا، دانشگاه برکلی کالیفرنیا، دانشگاه کانزاس، دانشکده ی گرنیل، دانشگاه مرلند، دانشگاه میشیگان، دانشکده ی

ایتاگا، دانشکده ی اوبرلین، دانشگاه اوهایو و دانشگاه سوارتمور.

سازمان اتحاد برای صلح در کیفرخواست خود می‌نویسد: «آینده‌ی ما به عنوان جوانان و دانشجویان کشور با اقدامات امروز بوش شکل می‌گیرد. حمله‌ی آمریکا به عراق بدون شک زندگی نیروهای ارتش آمریکا را به خطر می‌اندازد، رنج مردم عراق را افزایش می‌دهد و هزاران تن از مردم بی‌گناه این کشور را قتل عام می‌کند و موجب حملات تروریستی علیه آمریکا در داخل و خارج از کشور می‌شود؛ که می‌تواند به عنوان بهانه‌ای برای از بین بردن آزادیهای مدنی مورد استفاده قرار گیرد.» در بخش پایانی این کیفرخواست آمده است: «جنگ دولت بوش علیه عراق در جهت امنیت ملی، دموکراسی و حقوق بشر نیست؛ بلکه هدف آن دستیابی به منافع نفتی منطقه است. بهترین راه بهبود امنیت ملی، توقف جنگهای غیرقانونی و غیر اخلاقی و تخصیص بودجه‌های نظامی به خدمات آموزشی و اجتماعی و کمکهای انسان دوستانه در داخل و خارج است.»

بر اساس برنامه ریزی این سازمان قرار است در روزهای ۲۲ و ۲۳ فوریه صدها تن از جوانان و دانشجویان آمریکایی در کنفرانس ملی ضدجنگ که در شیکاگو و در تظاهرات دانشجویی یک روزه که در پنجم مارس برگزار می‌شود، شرکت کنند. یک روز قبل از تظاهرات جهانی در روز ۱۵ فوریه روسای بازرسان سازمان ملل، آقایان بلیکس و البرادعی طی گزارش خود اعلام کردند که تاکنون به هیچ سلاح کشتار جمعی در عراق دست پیدا نکرده یا نتوانسته‌اند اطلاعاتی درباره سلاحهای ممنوعه پیدا کنند؛ از سویی نیز نکاتی را در گزارش خود داشتند؛ که هنوز نتوانسته‌اند اطلاعات کامل ارائه دهند که نشان دهد عراقی‌ها کاملاً به خلع سلاح تن داده‌اند و اعلام کرده‌اند که هنوز مشخص نیست عراق سلاح غیرقانونی دارد یا خیر. گزارش روسای بازرسان در شورای امنیت برای دولت بوش خوش آیند نبود. روزنامه‌ی واشنگتن پست ضمن بررسی گزارش نوشت: «به دنبال ارزیابی هانس بلیکس، رئیس بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل از همکاریهای عراق که همراه با بیم و امید بود، کشورها یکی پس از دیگری تصریح کردند، حتی اگر رفتار عراق چندان قابل قبول نباشد، این پیشرفت می‌تواند دلیل کافی برای افزایش اقدامات بازرسان باشد. حتی کشورهایی که دولت آمریکا فکر می‌کرد به حمله به عراق رای مثبت دهند، هم صدا با شورای امنیت صبر و شکیبایی آمریکا را خواستار شدند.»

دومینیک دی ویلپن، وزیر امور خارجه‌ی فرانسه با سخنرانی پرهیجان خود خواستار دادن فرصت به بازرسان شد که

سخنان وی با تشویقها و تحسینهای نادر حاضران در جلسه همراه بود برعکس سخنان پاول، وزیر امور خارجه آمریکا با سکوت حاضران روبرو شد.

همزمان با این تحولات اختلاف در سازمان نظامی ناتو اوج گرفت و در یک اتفاق نظر بی‌سابقه طرح امریکا در ناتو با مخالفت بلژیک تصویب نشد. بلژیک، فرانسه و آلمان این اعتقاد را بیان کردند که آمریکا در حال تبدیل کردن ناتو به یک سازمان آمریکایی است و از اینرو برای یک پارچه کردن اتحادیه اروپا دست به تلاش گسترده ای زدند.

به دنبال تظاهرات جهانی و گزارش بلیکس و البرادعی اتحادیه اروپا طی اجلاس روز ۱۷ فوریه خود کوشید به تفرقه درونی اتحادیه اروپا پایان دهد. سه جریان جنگ طلبان، به رهبری انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، دانمارک، صلح طلبان به رهبری، فرانسه، آلمان، بلژیک، لوکزامبورگ، یونان، استرالیا، و ایرلند، سوئد و فنلاند

سرمقاله ---

در ستایش قیام

منصور امان
 بهمن ماه هرسال، رود سرخ و همیشه جاری شورش، سرود پر از ضربه های حماسی خود را بر طنین تر از هر گاه دیگر ترنم می گیرد. از جنگلهای سیاهکل، آنجا که درختان قامت افراخته و سربلند به شهادت ایستاده اند، خون سبز زندگی به این رود می پیوندد تا بر هرکنار گوشه ی فلات اسیر ایران، خوشه های نور بیاویزد، چشمه ی شور بکآود و دستهای به ریسمان بیداد بسته شده را به سوی تیغ خورشید امتداد دهد.

اینگونه است و همواره اینگونه خواهد بود. کسانی، فداییانی از کوه، از جنگل، دشت و شهر به سوی افقی گشاده تراز خرد روزنه های هستی اکنون رهسپار می شوند. حاضر به پذیرفتن و گردن نهادن به آنچه که پیرامونشان سالها و قرنها گذشته و در مغز و قلب انسانها رسوب کرده نمی شوند. لبالب از شور و زندگی برای تغییر به حرکت درمی آیند، حال آنکه از چراغهای موفقیت، در کرانه ای دور دست فقط سوسوی پیداست. عقل سلیم پرهیز می دهد و در صدای دورگه ی غوکان مرداب حقیقتی زنجیر شده و راکد نهفته است. شب تیره و دراز است و مشعلهایی که پرده ی ضخیمش را بدرند اندک! چند اکتبر سرخ، چند سیراماسترا می توان برشمرد؟ سنگریزه های راه، شاهدان بی فرجام بودن سفزند. دستهای چروکیده ی نقت آلود و زبانه های زرد تسلیم، به اشاره و سخن درمی آیند تا از داشتن امیدی بیهوده نپند و برحذر دارند. گزینه ای به صراحت زندگی، انتخاب این است: تن به خطر سپردن و شکست را همچون سایه ی پیروزی پذیرفتن یا همرنگ شدن و در برابر اجبار و ناگزیری شرایط زانو زدن!

راستی هم، ابلیس کدام خوش بینی درمان ناپذیر می تواند دیگرگسان را قانع کند که قادرند موثر باشند، می توانند چیزی از تغییری در آینده ای نامعلوم شوند وقتی به دستهای خالی خویش می نگرند و امکانات ناچیز خود و

هیأت غول آسایی که به نبرد با آن قصد کرده اند را می بینند؟ آری، انبان تردیها غنی ست و در برابر هزار دلیل بزرگ و سنجش گر تسلیم، تنها یک دلیل عصیان و برتابیدن، گردن افراشته است. دلیلی بی محاسبه و صادق، راست و صریح همچون جنس معامله ناپذیر انسان و بسنده چونان آرزوها و رویاهای او. وهموست که در انتها آرمان دهکده های روشن، شهرهای آزاد و کودکان شادی را به سان پرچی در توفان به دست می گیرد و از کف نمی نهد.

مردانی از راهکوره های سبز به زیر می آیند عشق را چونان خزه ای که بر صخره

ناگزیر است برپیکره های خویش می آرند و زخم را بر سینه هاشان.

روزگاری نه چندان دورتر از اکنون، صفایی فراهانی، اسحاقی، محدث قندچی، نیری، انفرادی، رحیمی، معینی عراقی، دانش بهزادی، حسن پور، فرهودی، سیف، سمایی، لنگرودی و مشیدی، زنده و سزاوار به آن، در رگ سرخ تاریخ جاری شدند تا به نیروی عشق، فدایی وار، دفترش را از گذشته تا به امروز و از اکنون تا به آینده، گشوده نگه دارند. فرمان آتش صفایی، چاووش آغاز عصر پیکار تا به آخر بود. موج سرخ انقلاب، بر سر هر برگ نشست، از بین سبزقامتان سیاهکل گذشت و دهه ی پنجاه را به نام آتشزنه ی سازمان پیشناز آذین داد. کوچه ها با حمید به میدان آزادی و دشتهای باز ترکم صحرای سینه گشودند و آتش دیرپای کوه های کردستان، به رنگ ارغوانی پرچم چریکهای فدایی، شعله گرفت.

زنجیره های آن سوی مرداب دیرگاهی ست که خاموش شده اند. مرداب مانده است اما. و با این حال فریادی از ژرفای هزاران جان، همچون یک صدا، خیابان انقلاب را گرم و راستین در خود گرفته است: "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم."

همایش سیاهکل در کلن (آلمان)

روز شنبه ۲۴ بهمن، همایش گرامیداشت حماسه سیاهکل و تولد جنبش نوین کمونیستی، با شرکت هموطنان، هواداران و دوستداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در کلن (آلمان) برگزار شد. همایش با یک دقیقه سکوت و کف زدن رسمیت یافت. در این همایش رفیق زینت میرهاشمی به ایراد سخنرانی پرداخت و سپس گروه ارس واحد موسیقی کارگاه هنر، به هنرنمایی پرداخت. در قسمت دوم برنامه، رفیق زینت میرهاشمی با شرکت کنندگان به گفتگو پرداخت و به پرسشهای حاضرین پیرامون دیدگاههای سازمان پاسخ داد. همایش با اجرای دسته جمعی سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.



همایش سیاهکل در دالاس (آمریکا)

روز یکشنبه، ۲۵ بهمن، شمار زیادی از هموطنان، هواداران و دوستداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در همایش گرامیداشت حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه در دالاس (آمریکا) شرکت کردند. در ابتدا حاضرین به مدت یک دقیقه با دست زدنهای ممتد، یاد و نام زندگی بخش رفقای گروه جنگل را پاس داشتند و سپس سرود انترناسیونال را آواز دادند. آنگاه اطلاعیه سازمان به همین مناسبت، به آگاهی شرکت کنندگان رسید و سپس رفیق منصور امان، عضو کمیته مرکزی سازمان، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خود به جلوه های تاریخی خیزشها و مبارزات مردم ایران اشاره نمود و سیاهکل را سنتی انقلابی جاری شده بر این بستر دانست.

در بخش انتهایی همایش، رفیق امان با شرکت کنندگان به گفتگو نشست و به پاره ای از پرسشهای آنان پاسخ داد.

سیاهکل آذرخشی در تاریکی

زینت میرهاشمی
سخنرانی در همایش سیاهکل در کلن
(آلمان)

با درود به شما خانمها و آقایان دست شما را به گرمی می‌فشارم و از همیاری و همگامیتان با ما برای گرامیداشت حماسه سیاهکل تشکر می‌کنم. همچنین از رفقای برگزارکننده مراسم که این فرصت را برای من به وجود آوردند تا با شما باشم، قدردانی می‌کنم.

با افتخار به یاد تمام کنشگران و پیکارگران کمونیست، زنان و مردان آزاده‌ای که جانشان را برای سوسیالیسم، برابری و آزادی فدا کردند و ارزشهای زیبا و جاودانه‌ای از خود در جنبش چپ ایران بر جای گذاشتند، سخن خود را آغاز می‌کنم.

در گرامیداشت حماسه سیاهکل، یادواره در یادلان قصه‌های مبارزه، علیه بیدادگری در تاریخ، یاد و خاطره شاعر جاودان، احمد شاملو، که از مدافعان جنبش انقلابی مسلحانه بود را گرامی می‌داریم. شاعر فرهیخته‌ای که شعرهای زیبایش، در عمق رنج و شکنجه و سرکوبگری از طرف دیکتاتورهای، در سلولهای زندان، پای چوبه‌های دار و ... لبهای تیدار و خونین رزمندگان را به جنبش او می‌داشت. همان شعرهایی که آذین دیوار سلولهای تاریک بود و ندا از درد مشترک، فریاد مشترک می‌داد. ندا از جاودانی حماسه‌های آفریده شده در مقابل سرکوبگری می‌داد.

همچنین یاد هنرمند عزیز فرهاد که صدای گرم و ترانه‌هایش، رود جاری مبارزه علیه ظلم و ستم را گرما می‌بخشید و با ترانه‌هایش مانند جمعه‌ها، خود را جاودانه نمود، را گرامی می‌داریم.

حماسه سیاهکل، آذرخشی در تاریکی، فریادی در مقابل سکوت بود. و ما وفاداران به راه و آرمانهای جنبش پیشتاز فدایی، هر سال با گرامیداشت این روز، برگی از قهرمانیها و فداکاریهای نسلی را زنده نگاه می‌داریم. که به تسلیم نه گفت، به سکوت، به سازش نه گفت، به دیکتاتوری گفت هرگز و به تغییر و حرکت و سنت شکنی گفت آری. به درستی آنها معتقد بودیم که تاریخ به انتظار تصمیم روضنفران نخواهد نشست. به همین دلیل رسیدن به قله برای آنها مسلم بود، نه دست و پا زدن در میان مرده‌ریگهای فسیل و تسلیم شده. پس

قله را نمی‌توان فرو کشید و سکون را نمی‌توان جانشین حرکت کرد. آنها در فراسوی حماسه سیاهکل، قامت بلند آرزوهای کارگران و زحمتکشان را

می‌دیدند. قلب شب را شکافتند تا راه رسیدن به افق را هموار کنند. و چنین بود که حماسه سیاهکل تبدیل به شعار ایران را سراسر سیاهکل می‌کنیم در دوران انقلاب ضد دیکتاتوری شد.

ای سیاهکل بیاد آر
هرگز از ضمیر خود مبر
قصه شگفت عاشقانه را
آه آن حماسه را



آری، سیاهکل از گونه حوادثی بود شگفت انگیز و دگرگون ساز. سیاهکل نماد شجاعت و قهرمانیهای مبارزان در راه آزادی و عدالت اجتماعی بود. کسانی که در آن دوران سیاه دیکتاتوری و قدرداری شاه، و در مقابل پنجه‌های آهنین به خون آغشته ساواک، به پا خاستند و سینه سپر کردند و راهی نو را آغاز نمودند. همینها به قهرمانان قصه‌های رنج و درد مردم ستمدیده، و تاریخ سازان دوران مبارزه مردم ایران بر رژیم دیکتاتوری سلطنتی شدند. با گذشت این همه سالهای طولانی، با تمامی ضرباتی که بر پیکر این جنبش وارد آمد، اما امروزه در میان مردم، به ویژه در میان نسل جوان که در آن روز

حتا چشم به جهان نگشوده بودند، اسم فدایی مترادف است با چریکهای که توان بالقوه خود را در مقابل رژیم مجرّم به سلاح و دستگاه شکنجه عینیت بخشیدند. رزمندگان فدایی در آن دوران چهره‌ای از کمونیسم به گونه‌ای دیگر نشان دادند. دوست دارم اینجا یک شعر از وب لاگ نیکو به نام دفاع از آزادی در وصف سیاهکل را برایتان بخوانم

برگ ها سلام

باد ها سلام

جنگل شکفته پرخروش

آفتاب صبحدم سلام

راه های رفته

گام های خسته

دست های پرعلاقت جوان

چهره های سوخته ز آفتاب کوه

ای شگفت

جای پایتان هنوز روی برگ هاست

قلب هایتان اگر

لاله های سرخ گشته است

پیچ پیچ صدایتان ولی هنوز

در نسیم صبحدم بجاست

خود از تعلق صرف داشتن به مردان خارج کردند. چنین است که در دوران انقلاب شاهد به میدان آمدن گسترده زنان مبارز و سنت شکن هستیم. در تداوم نقش آن زنان، مشارکت مستقیم و فعال زنان در دوران مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، نقش آنان را برجسته کرد تا جایی که اکنون دفاع از حقوق زنان را به میزان سنجنش دموکراسی در میان نیروهای سیاسی تبدیل کرده است. اگر جنبش پیشتاز فدایی را در سکون نبینیم بلکه در تغییر و تحولات ببینیم یا به عبارتی خود را بر بستر تغییر نه سکون ببینیم، امروز جوهره آرمانهای رفقای بنیانگذار جنبش پیشتاز فدایی همواره زنده است. تجربه و نظریات این جنبش برای ما رهنمود عمل در شرایط فعلی است.

ما، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، خود را جزئی از جنبش جهانی سوسیالیستی و کارگری می‌دانیم. در سطح جهانی علیه لیبرالیسم نوین و جهانی سازی بدون امکان فرصتهای برابر، جنگ طلبی و علیه انحصارات امپریالیستی و همگام با نیروهای رادیکال در سطح جهان برای ساختن دنیایی دگر، گام بر می‌داریم.

در سطح ایران، از حق تشکل پذیری کارگران، حق اعتصاب و حق کنترل و نظارت کارگری دفاع می‌کنیم و جهت گیری طبقاتی خود را دفاع از کارگران و مزدبگیران قرار می‌دهیم.

برقراری حکومتی جدا از هر گونه ایدئولوژی، سکولار، پلورالیستی، و دخالت مستقیم مردم در امور خودشان را بستی برای رسیدن به توسعه‌ای پایدار و مدرن می‌دانیم.

در شرایط فعلی، از منظر ما، رژیم حاکم بر ایران، دینامیسم عقب‌مانده، واپسگرا و ارتجاعی دارد. تمام حیات این رژیم، مملو از جنایت، وحشیگری، بربریت، توسعه فقر، فحشا، رشد بورژوازی انگلی و تجاری، است. هیچ نقطه اتکایی در چارچوب این رژیم، برای بهبود وضعیت ناهنجار کنونی یافت نمی‌شود. تغییر و اصلاحی از طرف جناحهای موجود درون قدرت در دایره نمور و تنگ شرعی ساختار نظام ولایت فقیه تا جایی که به حفظ نظام کمک کند را مترقی ارزیابی نمی‌کنیم. به همین دلیل همه قوانین ارتجاعی و نهادهای این رژیم را به چالش می‌گیریم. سر تا پای این رژیم را به چالش می‌گیریم. بنیان رژیم جمهوری اسلامی بر اپارتاید جنسی،

بقیه در صفحه ۷

جنبش پیشتاز فدایی، بعد از چند سال فعالیت تدارکاتی و تشکیلاتی، در روز ۱۹ بهمن ۴۹، با عملیات نظامی واحدی از رزمندگان دلیر فدایی به پاسگاه سیاهکل در استان گیلان، حضور علنی خود را اعلام کرد. حماسه سیاهکل آغازی برای نبردهای زنان و مردان آزاده‌ای بود که زندانها، چوبه‌های دار و صحنه‌های خیابانها را با روپارویی خود با نیروهای ساواک و چهره‌های دیگر بخشیدند. و چنین است که نامهایی چون، عباس مفتاحی، صفایی فراهانی جلیل انفرادی، مسعود احمدزاده، حمید اشرف، بیژن جزنی، خسرو گل‌سرخ و ... سینه به سینه در میان مردم نقل می‌شود و رودی خروشان و صفی طولانی از وفاداران و عاشقان به خود در تاریخ بر جای گذاشتند و در دوران انقلاب ضد دیکتاتوری، سازمانی مخفی را به سازمانی توده‌ای و فراگیر فرارویانند.

با افتخار و سرافرازی یاد بزرگ زنان فدایی را گرامی می‌داریم. رفقا مرضیه اسکویی، مهرنوش ابراهیمی، غزال آیتی، اعظم روحی‌آهنگران، نهضت روحی‌آهنگران، فریده غروی، زهرا آقا نوبی قلهکی، و بیشمار زنان رزمنده دیگری که آوردن نام همه آنها در این فرصت نمی‌گنجد. نقش زنان رزمنده در جنبش پیشتاز فدایی در تمام دوران مبارزه علیه دیکتاتوری شاه، نسبت به همه جنبشهایی که تا زمان انقلاب ضد دیکتاتوری سلطنتی فعالیت داشتند، چشمگیر و بیشتر از همه بود. هیچ جنبشی این میزان زن را به خود جلب نکرده بود. زنان رزمنده فدایی در آن دوران، نسلی از زنان آگاه بودند که مرزهای سنتی را در نوردیده و صحنه مبارزه طبقاتی و سیاسی را با وجود

در همایش سیاهکل

منصور امان

سخنرانی در همایش سیاهکل در دالاس (آمریکا)

تشکر می‌کنم از حضور شما در اینجا و در ابتدا می‌خواهم ادای احترامی بکنم به رفقای شهیدمان که یاد و نامشان یادآور بسیاری از خاطره‌ها و انگیزه‌های مبارزاتی است، به خصوص در چنین روزهایی، ۱۹ و ۲۲ بهمن که برای مردم ما اهمیت زیادی دارند، و به ویژه برای نیروهای چپ! می‌خواستم شما را توجه بدهم به سنتی که با جنبش فدایی امتداد یافت و در این رابطه به سئوالی اساسی بپردازم. آیا گرامیداشت سیاهکل یک آیین نوستالژیک نیست؟ حسرتی برای گذشته و تاریخی که تکرار نمی‌شود؟ و یا اینکه ما در امتداد یک روند و سلسله رویدادهای تاریخی و همچنین یک سنت عمیق مبارزاتی در تاریخ خودمان قرار داریم که قیام سیاهکل جزئی از آن است و بر این بستر حرکت می‌کند.

برای پاسخ به این سئوال باید به گذشته برگشت. باید دید که صفحات تاریخ با نمادهای مادی یک اراده انقلابی، یک اراده مبارزاتی برای تغییر و یک تمایل برای دگرگونی رقم خورده اند یا اینکه این صفحات برگهای سفیدی هستند که با وجود تمام بیدادگریها و اشفالگریها و ستمی که طی سالیان و قرون بر آن رفته و در نمادهای گوناگون متجلی شده، انعکاس مادی و بازتاب عملی نداشته است. این را باید نگاه کرد و دید. تاریخ را باید به سمت ریشه‌هایش، به سمت عقب و فصول اولیه اش ورق زد، آنجایی که سرچشمه‌های حیات بخشی که برای یک اندیشه مبارزاتی و جنبش انقلابی به منظور بازگشت به آنها و الهام گرفتن، حیاتی و اصلی به شمار می‌رود. اگر اینگونه به تاریخمان نگاه کنیم و به این نتیجه در واقع تأسف بار برسیم که این تاریخ از این فصول تهی است و چیزی آنرا به یک اندیشه مبارزاتی و تحول درونی دینامیک پیوند نمی‌دهد، آن گاه باید از سیاهکل یا از قیامهایی مثل سیاهکل بعنوان یک حادثه تاریخی، یک گسست از روندی خاموش و بدون تحول یاد کرد. چیزی که به دلیل ویژگی مبارزاتی خود، از گذشته کنده شده. گذشته ای که با هیچ نماد و جلوه‌ای با مبارزه و ستهای دگرگون کننده، پیوند نمی‌خورد. ما از کدام گذشته صحبت می‌کنیم؟ اگر به آن مادی نگاه کنیم - تا آنجایی که این تاریخ نوشته شده و از آن اطلاع داریم - آنگاه جای سئوال زیادی وجود دارد که چگونه با تمام بیدارگریهایی که بر جامعه و بر این تاریخ رفته و گذشته ای

که آکنده از ستم است، هیچ جلوه‌ای از مبارزه و مقاومت و خواست و تمایل برای تغییر، برای بهروزی این جهانی وجود نداشته است. آیا به لحاظ تاریخی چنین چیزی اثبات پذیر است؟ اگر اینگونه است - همانطور که گفتیم - پس ما وقتی از سیاهکل می‌گوییم، از یک نوستالژی حرف می‌زنیم. از رویدادی سخن می‌گوییم که با تمام ارجمندهایش به آینده امتداد پیدا نمی‌کند چرا که حادثه‌ای تاریخی، یک گسست است. اتفاقی است که در یک مقطع تاریخی روی داده و هیچ نقطه وصلی با گذشته و طبعاً بدون هیچ زمینه اجتماعی و تاریخی به آینده راه نخواهد برد. در آن هنگام ما پاسدار



دلتنگیهایی هستیم که ارجمنند و دیگر وجود ندارند. کلیدداران میراثی که فقط در حافظه‌ی ما با یک رقم ۱۳۴۹، ۱۹ بهمن، ثبت شده و به هیچ صورتی در زندگی کنونی، در آنچه که اکنون هستیم نه نماد پیدا می‌کند و نه تأثیر به جا می‌گذارد. این درصورتی ست که برگهای تاریخی که از آن صحبت می‌کنیم سفید باشد، با خطوط سرخ انقلابی، با خطوط سرخ مبارزاتی نوشته نشده باشد. و ما با فقدان یک اندیشه و تئوری انقلابی و اراده برای تغییر در روابطی - که واقعا برای دریافت آن احتیاجی نیست راه درازی برویم، با دنیایی از نمادهایی که می‌بینیم، می‌شناسیم و خوانده ایم - روبرو باشیم. و این مسئله ای است که به یک سئوال دیگر راه می‌برد: آیا این رفقای که اینجا عکسهایشان را می‌بیند، تک ستاره‌های یک شورش بودند؟ آیا نسبت به تاریخی که بر آن قرار گرفتند، یک گسست محسوب می‌شوند یا اینکه نه!

ولی خیلی پیشتر از آنکه صفایی و نبری و فرهودی، تفنگهایشان را بدست بگیرند و با انگیزه‌ای که گاه از آن به عنوان "رمانتیسیم انقلابی" یاد می‌شود، به جنگلهای شمال بروند و نوید بخش یک تحول جدی بشوند، در همان فصول ابتدایی تاریخ به کسان دیگر، به نمادهای دیگر برمی‌خوریم. اولین آنها - تا جایی که ما می‌دانیم - یک پیغمبرنقاش بود،

بر اساس مندرجات تاریخی ۸۰ هزار تن را دربرگرفت. و کمی به جلوتر بیایم. آنجایی که بایک، پرچم سرخ مزدک و سرخ جامگان مزدکی را از قلعه‌ی کلیدر تا بارگاه مأمون بر صورت خود حمل می‌کند. او هم به این اعتبار فدایی بود. به این اعتبار که ستم و نابرابری اجتماعی، چیزی که در هیأت اشغالگری بیگانه توسط خلفای عباسی در ایران تجلی پیدا کرده بود را برتابید. و ایده تغییر و تمایل تغییر را به صورت مادی در اندیشه و عمل مبارزاتی به صحنه آورد و ما می‌دانیم که چه اتفاقی برای او افتاد.

از این نمونه‌ها جلوتر بیایم و به ابومسلم خراسانی برسیم و کمی جلوتر به تاریخ معاصر خودمان به جنبش مشروطیت و جنبش ملی کردن نفت به رهبری دکتر مصدق!

حال سئوال اساسی این است که سیاهکل و اندیشه شورشگری، اندیشه‌ی برتابیدن وضع موجود و آن چه که توسط حاکمان و توسط شرایط اجتماعی به توده‌ها تحمیل شده، یک گسست است یا بر یک بستر تاریخی و انقلابی قرار می‌گیرد. سنتی که ما می‌توانیم به آن تکیه بدهیم، "ما" نه بعنوان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بلکه به عنوان هرابرانی و هر فرد دیگری که قصد دارد در برابر شرایطی که هم اکنون در کشورش حاکم است بایستد و مقاومت کند و همزمان پشتوانه‌های تاریخی خود را جستجو کند و دریابد که آیا تحول امکان پذیر هست؟ آیا صحبت از رومانتیسیم انقلابی است؟ صحبت از یک تفکر جدا و روشنفکری الهام گرفته از چند نمونه تاریخی مانند کوبا و جنبشهای چریکی امریکای لاتین است یا اینکه نه، سنتی وجود دارد که باید ریشه و آن سرچشمه‌ی حیات بخش اش را جستجو و مطالعه کرد. و باید دید که آیا این تاریخ یک بستر عقیم است، صفحات سفیدی که چیزی بر آنها انگاشته نشده و آنگونه که عنوان می‌کنند تاریخ شاهان، حکام، تاریخ بیدادگری و جلال و جبروتی ست که مردمی که در جامعه زندگی می‌کردند، ذره‌ای از آن نصیب نبردند؟

پس گزافه نیست اگر بگوییم که سیاهکل در امتداد یک سلسله شورشی قرار دارد، سلسله‌ای که با نمادها و شخصیتهای تاریخی خود شناخته می‌شود. کسانی که اسم و هویت و شناسنامه دارند و اگر تاریخ را ورق بزنیم می‌توانیم آنجا آنها را پیدا کنیم. کسی آنها را اختراع نمی‌کند و اینان

بقیه در صفحه ۶

در همایش سیاهکل

بقیه از صفحه ۵

شخصیتهایی نیستند که ما برای دلداری خود، برای نوید دادن به آینده ای نامعلوم اختراع کرده باشیم. براساس همین سنت است که می توان از چیزی به نام سنت فدایی صحبت کرد. ما همه ی این شخصیتها و جنبشهای اعتراضی و اجتماعی را در کاسه ی سازمان چریکهای فدایی خلق نمی ریزیم اما خود را متعلق به آن سنتی که که این جنبشها و شخصیتها را متمایز می کند و مولفه هایی که آنها را تعریف می کند، می دانیم. هر جنبش انقلابی دیگری در ایران که دقیقا به همین سنت تکیه بزند و شرایط مشابه را برنتابد و به مقاومت دست بزند، پیرو آن محسوب می شود. بنابراین این یک سنت خودمدارانه که از طرف ما بوجود آمده و ما آنرا به اسم خود ثبت کرده باشیم نیست. و این مشکلی ست که بسیاری که با جنبش فدایی و این سنت مبارزاتی مخالف هستند، با خود می کشند. زمانی پس از قیام، صحبت از پوپولیسم فدایی می شد، یعنی یک جنبش بی هویت، جنبشی که یک گرایش اجتماعی و طبقاتی مشخص را نمایندگی نمی کند، با اصول و آرمانهایی عام، قصد به هم ریختن، قصد درهم آمیزی تمام گرایشاتی که به انواع مختلف مطالبات جامعه را مطرح می کنند را دارد. این پوپولیسم فدایی بود و جرم سازمان فدایی و آنچه که آن را به این صفت مفتخر کرده بود، این بود که آرمان دموکراسی، عدالت اجتماعی و آرمان برابری یعنی خواستهایی که اساسی ترین، محوری ترین و همگانی ترین مطالبات مردم ایران در دوره های مختلف تاریخی را در اشکال گوناگون بازتاب می دادند را گرفته و قصد داشت براین اساس طرح دیگری، برنامه دیگری به این جامعه عرضه کند. قصد داشت بر مبنای این سنت، یادگارهایی که در تاریخ ایران وجود داشته اند را به امروز پیوند بزند و آرمانهایی که فروخته و برآورده نشده مانده بودند، مطالباتی که هیچگاه فرصت مادی شدن را پیدا نکرده و هرگز نتوانستند به صحنه ی زندگی مردم پا بگذارند را توسط مبارزه خود و نشان دادن الگوها و نمادهایی از تغییر و دگرگونی و امکان آن، به جامعه عرضه کند. این مهمترین ویژگیهای تاریخی جامعه بود که سازمان فدایی نمایندگی می کرد و می کند، با زبان خود و با شرایط ویژه ای که به لحاظ تاریخی در آن قرار داشت و دارد. اکنون بیایید به طور مشخص تر ببینیم این سنتی که از آن صحبت می کنیم، در بیان سیاسی چیست و آن چه که سازمان فدایی را از دیگر جریانها متمایز می کند و همچنین به گذشته تاریخی خود پیوند

می دهد، در چه چیزهایی نمود پیدا می کند.

محوری ترین مسئله برای رفقای ما، آنها که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بنیان گذاشتند، برخورد پویاگرانه با مارکسیسم لنینیسم بود. ما به اندیشه علمی بعنوان یک آزمون که کلاسهای مارکسیسم و کتب آنان در برابرمان قرار داده بودند، برخورد نکردیم، بلکه آن را به عنوان تفکر و اندیشه ای که راه حل مشکلات کنونی ماست - همین اکنون - و مسائلی که با آن روبرو هستیم، می بینیم. و این تفاوتی بود که اگر به گذشته برگردیم، به سال ۴۹ و پیشتر از آن، با برخوردی که سازمانهای مختلف سیاسی به مقوله ایدئولوژی و مبانی نظری خود داشتند، با نقاط روشنی ترسیم می شود. به این معنا که ما مارکسیسم را نه به عنوان یک شریعت جامد بلکه به مثابه راهنمای عمل برای مشکلاتی که همین الان با آنها روبرو هستیم، مشکلاتی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در برابر مردم گذاشته شده و نیروهای مولده که بر جامعه تأثیرگذار هستند با آنها دست و پنجه نرم می کنند، ارزیابی و نگاه می کنیم. ما از درون آموزه های تئوریک، اساسی ترین و اصولی ترین جنبه های آن برای شرایط اجتماعی جامعه ی خود را برگرفته و آنرا با آنچه که به صورت پرسش برایمان مطرح بود، انطباق دادیم. نگاه کردیم و پرسیدیم و برای پیدا کردن پاسخها بود که به سراغ مارکسیسم لنینیسم رفتیم و نه برای اینکه یک چارچوب فکری کلیشه ای را در برابر خود قرار داده و بعد به دنبال پرسش بگردیم و ببینیم که این ایدئولوژی به کدام پرسشها جواب می دهد، سئوالاتی که ممکن است زمانی در قرن نوزدهم یا هجدهم طرح شده باشند. این پرسشی نبود که اولاً ما طرح کنیم و ثانیاً مسئله ای را از جریانی که قصد سازمان دادن یک تحول در جامعه بر اساس سنت انقلابی و مبارزاتی تاریخ خود را دارد، حل کند.

ما به ازای سیاسی این تفکر متفاوت به ایدئولوژی، این است که عمیقا هرگونه وابستگی به قطب بندیهایی که در آن زمان وجود داشتند را رد می کرد. یک تفکر ملی، چیزی که نیازها و امکانات اجتماعی جامعه را به عنوان یک شرط ضروری برای انتخاب هر متحد یا متفق در پهنه ی بین المللی ارزیابی می کرد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با یک درک غلط از اترانسونالیسم که طی یک دوره بیست ساله توسط حزب توده ترویج شده بود مرزبندی کرد، یافته ای که پیروی از سیاست بازگانی خارجی اتحاد شوروی را به عنوان یک اصل ایدئولوژیک مارکسیست لنینیستی و اترانسونالیسم پرولتری معرفی می سیاستهایش را بر این اساس تنظیم می

کرد. سازمان چریکهای فدایی خلق عملا نیز هیچگاه فرای منافع ملی مردم ایران نه موضعگیری کرد و نه برخلاف آن جبهه بندیهای خود را ترسیم نمود.

محوری که بخش سوم سنت فدایی را تشکیل می دهد، سنت مبارزاتی فدایی است. سنتی که با تئوریهای تسلیم طلبانه و اپورتونیستی که پس از ۲۸ مرداد رواج داشتند، مرزبندی داشت. تئوریهایی که مینا و اساس آنها سازش بر پایه ی درک غلط از صف بندیهای سیاسی و طبقاتی جامعه قرار گرفته بودند. در انتها نتیجه شان آن بود که نیروهای اجتماعی تحول، آنها که برای مبارزه با رژیم شاه و به خاطر عدالت اجتماعی پیرامون یک جریان سیاسی و در واقع حزب توده گرد آمده بودند را به راهپیمایی برای اعطای نفت شمال به شوروی و علیه دکتر مصدق می کشید و بعد از آن پشت سر معجزولات تاریخی مانند انقلاب سفید به صف می کرد و کمی جلوتر از آن مبلغ یک تحول درون گرا در رژیم سلطنتی شده بود. همانگونه که دیدیم، سیاستهای حزب توده و بویژه تسلیم رهبران آن بعد از ۲۸ مرداد، چه تأثیر روانی و اجتماعی بر جنبش کمونیستی گذاشت که تا همین اکنون با عوارض و پیامدهای آن روبرو هستیم.

سیاهکل یک مرزبندی مشخص با این تفکر و سیاست بود و همزمان حیثیت به غارت رفته را برای جنبش چپ، برای مارکسیسم لنینیسم بازگرداند و این آسان به دست نیامد. همانطور که می بینید، رفقای که عکسهاشان به دیوار نصب شده، فقط بخشی از از بهایی بودند که برای این کار پرداخت شد، درست در همان دوره ای که از انقلاب سفید حمایت می شد و رهبران جعلی طبقه کارگر در زندان تسلیم نامه و توبه نامه می نوشتند و بیشترین تلاششان، تبلیغ نزدیکی اتحاد شوروی با رژیم شاه بود.

خوب، دستاوردهای این پروسه چه بود؟ نتایج کوششها و بهایی که دادیم. آیا اینها برای ما دستاوردهای عینی و عملی هم داشت؟ اگر به همان تاریخ نگاه کنیم، در می یابیم که آری! ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم شاه یکی از نتایج این مبارزه بود. نبردی که مردم را به خیابانها کشاند و این مردم، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را به بزرگترین سازمان چپ خاورمیانه تبدیل کردند. همان مردمی که تحت رهبری سازمان فدایی، شوراهای دهقانی خود در ترکمن صحرا را تشکیل دادند و ایده خودمختاری، رفع ستم ملی و تبعیضات فرهنگی را توسط مبارزه مسلحانه و با ایستادگی و

مقاومت خود در برابر جمهوری اسلامی و پاسداران آن بازتاب دادند. این مولفه ای بود که سازمان چریکهای فدایی خلق و سنت مبارزاتی آن با خود داشت و به همراه آورده بود.

با این وجود من بیشتر از جنبه آرمانی مسئله صحبت می کنم و نه از نتایجی که عقل سلیم، یا ترازوی کشیدن یک مبارزه تنها براساس نتایج مادی ای که در کفه ترازو می گذارد. آنچه که ما دیدیم و آنچه که الان وجود دارد، تزریق یک سنت و فرهنگ مبارزاتی با این سازمان و این جنبش در رگان جامعه است. با اینکه کسانی در ایران فکر می کنند چهارقبضه به قدرت چسبیده اند - آنگونه که شاهد هستید - کماکان خود را مجبور به مبارزه با این سنت و فرهنگ می بینند. اگر به آیین مرسوم جمهوری اسلامی در این روزها دقت کنید، می بیند که بخش زیادی از آن به جبهه گیری و مرزبندی در مقابل این فرهنگ مبارزاتی است. بویژه که آرمانگرایی و برخورداری از سنت مبارزاتی، در شرایط فعلی با آن چیزی که به عنوان "اصلاحات" مطرح شده، اهمیتی بیشتری پیدا کرده است. به راستی علت فعال بودن جمهوری اسلامی در نفی آرمان گرایی و مرزبندی با قهرمان پروری و فرهنگ قهرمان داشتن به خصوص بعد از روی کار آمدن خاتمی، چیست؟ یک دلیل آن را می شود در این حقیقت جست که یک جنبش اصلاح طلبی که هیچ آینده ای ندارد و به هیچ نتیجه ای در پس خود نمی تواند اتکاء داشته باشد، باید روی کلیه آرمانهایی که در جامعه وجود دارند و خود به دروغ اعلام می کند که می خواهد شرایط تحقق برخی از آنها را در همین چارچوب بوجود بیاورد، قلم بکشد. باید بر بیهوده بودن راهی که به اهداف بزرگتر ختم می شود تأکید کند و این بدون مرزبندی با ایده آلیم (نه به مفهوم فلسفی آن)، تأمین نمی شود. پربروز یکی از افراد اطلاعاتی رژیم که یک نشریه اینترنتی دارد، یک تقسیم بندی بینشی کرده و در آن جایگاه رفیعی به کسانی داده بود که براساس نهادهای موجود و امکانات و ابزارهایی که رژیم در اختیار می گذارد، قصد مادی کردن یک سری تحولات در جامعه را دارند. و در مقابل، آنچه که نفی می کرد تفکری بود که آنرا "تفکر چریکی و رادیکال" می نامید. چیزی که براساس یک تحول واقعی و نتایج حقیقی یک سیاست حرکت می کند و این ها را به طور

بقیه در صفحه ۷

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

صرف هزینه بسیار برای جلب بعضی از کسانی که دستی در مدیای کشورهای مختلف دارند، دروغهایی به منظور هدفهای ارتجاعی خود تولید می‌کند. یکی از این نوع دروغها و توطئه‌ها که خوشبختانه با بازدید بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل از قرارگاههای ارتش آزادیبخش به سرعت نقش بر آب شد این است که گویا بعضی از سلاحهای ممنوعه در قرارگاههای مقاومت مخفی شده است. در این دروغ پردازی بی شرمانه یک همپیمانی قابل درک بین رژیم و بخش فارسی رادیو بی بی سی، که توسط مردم ایران به لقب آیت الله مفتخر شده، وجود دارد. در این آشفته بازار عوام فریبی بعضی اشخاص مورد اعتماد دستگاه امنیتی مقام معظم ولی فقیه، همچون صادق صبا، که می‌تواند به طور مستقیم از لندن با زندانیانی که با فشار شکنجه گران مجبور به اعترافاتی می‌شوند مصاحبه کند، ضمن آن که سیاستهای دولت فقیه را تبلیغ می‌کند، از آن مقدار آزادی عمل و امکان مانوری که دارد، برای لجن پراکنی علیه نیروهای مقاومت و تکرار دروغهای وزارت اطلاعات ساخته استفاده می‌کند. حقیقت آن است که مساله اصلی و تکلیف اساسی نیروهای ترقیخواه و مقاومت ایران مبارزه با نظام حاکم بر ایران است و بحران مربوط به عراق گرچه برای مبارزان چالشهایی ایجاد می‌کند اما هرگز نمی‌تواند در مبارزه سترگ زنان و مردان ایران زمین برای استقرار دموکراسی و آزادی خللی ایجاد کند و بنابر این هر تلاشی از جانب رژیم برای منحرف کردن جهت این مبارزه نقش بر آب خواهد شد و دار و دسته ولی فقیه که آخوند مسلکانه به دنبال خر و خرما هستند، هم چوب را خواهند خورد و هم پیاز را.

*به یاد دارم در سال ۱۳۶۴ وقتی در لندن برنامه سخنرانی داشتم، همین آقای صادق صبا که در آن زمان از افراد سر سپرده سرکرده باند تبهکار در خارج از کشور بود، چگونه کف بر دهان و با چار و چنگال، برنامه سخنرانی من را بر هم زد.

سیاهکل آذرخشی در تاریکی

بقیه از صفحه ۴

مذهبی، قوانین شرع، استبداد مذهبی استوار است. همه چیز در ایران بر اساس منافع حقیر قشر بورژوازی عقب مانده بازار و تجار وابسته به دستگاه ولایت فقیه و بورژوازی نوکیسه رانت‌خوار پیش می‌رود. پس تنها سرنگونی رژیم را بستر برای تغییر و تحول و رشد موزون می‌دانیم.

یکی از دستاوردهای مبارزه خونین با این رژیم، همراه با اعدام صدها هزار نفر از مبارزان، دستگیری و شکنجه و همه‌همه... عمومی شدن بخشی از آرمانهای ماست. امروز شعار جدایی دین از دولت به شعاری فراگیر تبدیل شده است. امروز ولی فقیه با همه دستگاه سرکوب آماج نفرت عمومی قرار گرفته است و در تظاهرات دانشجویان شعار "هبر برو گمشو" سر داده می‌شود. مردم ولی فقیه را علنا به سخره می‌گیرند. زنان با مقاومت در برابر اجارات حکومتی، فرمانروایی قاطع شریعت را به چالش گرفته‌اند. و روز ۸ مارس را علیرغم روزهای ساختگی دیگر از طرف حکومت برای روز زن، گرامی می‌دارند.

آزادی، دموکراسی سر لوجه همه اعتراضهای انجام شده در ایران است. کارگران و مزدبگیران برای داشتن تشکلهای مستقل خود، تشکلهای دولتی، تحت عنوان شوراها، تشکلهای اسلامی، تشکلهای اسلامی، انجمنهای اسلامی را به چالش می‌گیرند.

درواکش به فشارهای بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری، بخشی از رژیم سعی می‌کند با حفظ مسائل شرعی، به کنواسیونها و میثاقهای بین‌المللی بپیوندد. ما این را فریب افکار جهانی برای رهایی از نظارت سازمانهای جهانی بر آنچه که در ایران می‌گذرد، می‌دانیم.

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و پیمانهای بین‌المللی در سر لوجه برنامه ما قرار دارد. و معتقدیم که این حقوق جهانشمول است و شامل همه مردم روی کره زمین صرف نظر از نژاد، مذهب، ملیت، جنس و فرهنگ می‌شود. و تمام شرطهای فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، را برای عدم قبول این حقوق جهانشمول را رد می‌کنیم. مردم ایران بیش از همیشه سزاوار داشتن ایرانی آزاد، دموکراتیک، برخوردار از حکومتی سکولار، عدالت و تامینهای اجتماعی و... هستند و رعایت میثاقهای بین‌المللی بدون اما و اگر حق آنها است.

در شرایط فعلی، رژیم جمهوری اسلامی، با توطئه‌گری قصد دارد از بحران منطقه‌ای و شرایط جنگی به نفع خود استفاده کند. رژیم می‌خواهد در شرایط جنگ و بحران، به ارتش آزادیبخش و نیروهای مقاومت حمله کند و به خیال خودش کار را یکسر کند. حالا که جنگ است او هم از یک طرف لشکرکشی کند.

راه حل بحران منطقه یک راه حل جنگی نیست. جنگ برای حل تضاد میان دولتها و قدرت نمایی انحصارات تسلیحاتی، بستری برای رشد و قدرت گیری جریانها و محفلهای بنیادگرایی است. در دوران فعلی بعد از ۲۴ سال فرمانروایی استبداد مذهبی، رشد جنبش عدالت خواهی، رشد مقاومت و نیروهای ارتش آزادیبخش، به طور قطع فرصتی طلایی برای رژیم لرزان و درهم شکسته را برای استفاده از این بحران منطقه‌ای نخواهد داد.

ما خود را همگام با کسانی می‌دانیم که برای این خواسته‌ها مبارزه می‌کنند و هر دستی که ما را در این مبارزه یاری کند را به گرمی می‌فشاریم.

در همایش سیاهکل

بقیه از صفحه ۶

مشخص، نه حتی بعنوان آرمان بلکه به عنوان مطالباتی بی واسطه، خواسته‌هایی که نه ایده‌یستهای - به قولی - رمانتیک و نه تئورسیسینهای جدا از مردم اختراع کرده‌اند، مطالباتی که در سال گذشته و پیش از آن در جنبش دانشجویی و پلاتفرمهایی که مطرح کرده بودند، متجلی شد. بنابراین

مرزبندی جمهوری اسلامی و به ویژه "اصلاح طلبان" با آرمان‌گرایی و سنتهای مبارزاتی مردم ایران و از جمله سنت مبارزاتی سیاهکل، یک ریشه عینی و تاریخی در وضعیتی دارد که رژیم در آن به سر می‌برد و یک بن بست کامل برای "اصلاح طلبان" محسوب می‌شود. از این امر آنان یک

نفع سیاسی را انتظار می‌کشند، مردمی که در خیابانهای تهران و شهرهای مختلف ایران به هر بهانه‌ای علیه جمهوری اسلامی و برای مطالباتی که به طور واقعی کمبود و خلاء آنرا احساس می‌کنند، فریاد می‌کشند و مبارزه می‌کنند، اینها را در برابرشان به عنوان یک جنبش بی آینده، آرزوهای

که هیچ دخلی به واقعیت ندارند مطرح کرده و قرار بدهد و "اصلاحات" را بعنوان تنها راه حل معرفی کند. همان "رفرمیستهای" که در عرض ۶ یا ۷ سال سر دادن شعارهای گزاف، اکنون گرفته اندو یکی از آثار این بن بست، ترویج تسلیم به شرایط موجود است.

فرهنگی که سیاهکل با آن مرزبندی کرد و آنرا از اندیشه‌ی که اینان هم به نحو دیگری مطرح می‌کنند، متمایز نمود. تبلیغ شکست آرمانگرایی، شکست تفکرات رادیکال و بی نتیجه بودن آن، سیاستی است که "دوم خرداد" فعالانه پیش می‌برد و تئورسین‌های خود را، به ویژه این روزها، با ژستهای روشنفکر نمایانه به مقابله با ایده‌الها و سنتهای انقلابی جامعه می‌فرستد.

من بیش از این وقت شما را نمی‌گیرم و امیدوارم بیشتر از آنچه که گفتم، بتوانیم در بخش پرسش و پاسخ صحبت کنیم و حرف بزنیم. تشکر می‌کنم.

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت ۱۹ بهمن

سی و دومین سالگرد حماسه و قیام سیاهکل

«گر بدین سان زیست باید پست
من چه بی شرم ام اگر فانوس عمرم را
به رسوایی نیاوریم
بر بلند کاج خشک کوچه بن بست
گر بدین سان زیست باید پاک
من چه ناپاکم اگر نشانم از ایمان خود،
چون کوه
یادگاری جاودانه، برتر از بی بقای خاک»
(زنده یاد احمد شاملو)

در شامگاه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ یک دسته از رزمندگان دلیر جنبش پیشتاز فدایی به فرماندهی فدایی شهید رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در منطقه لاهیجان حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند. جنبش پیشتاز فدایی که از بطن شکست تاریخی حزب توده و جبهه ملی طی سالهای پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا سالهای اول دهه چهل شکل گرفته بود، طی سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ دوران تدارک سیاسی - تشکیلاتی، نظامی خود را طی کرد و سرانجام در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ با عملیات قهرمانانه رزمندگان دلیر فدایی آغاز دوران جدیدی در جنبش رهاییبخش مردم ایران را اعلام کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق طی سالهای ۱۳۴۹ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ زیر شدیدترین ضربات رژیم محمدرضا شاه و با وجود آن که تمامی رهبران آن و منجمله فدایی شهید رفیق حمید اشرف در ۸ تیر ۱۳۵۵ طی درگیری با ساواک شاه به شهادت رسیده بودند، توانست به حیات رزمنده خود ادامه دهد و به پایدارترین سازمان سیاسی کشور تبدیل شود. این سازمان علیرغم بعضی نارسائیه‌ها، ضعفها، انحرافها، خطاها و کمبودها به یک سازمان قدرتمند و با پایگاه وسیع اجتماعی و به یکی از قدرتمندترین سازمانهای کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد به نحوی که در اولین گردهمایی علنی‌اش در ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران بیش از صد هزار نفر شرکت داشتند.

نبردی که در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ آغاز شد، جرقه‌ای بود که به خرم‌خشم فروخته مشتاقان آزادی و رهایی مردم ایران افتاد. ییکارهای بی امان رزمندگان دلیر جنبش پیشتاز فدایی، دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته محمد رضا شاه، که با تکیه بر سرنیزه و دستگاه مخوف شکنجه و کشتار ساواک به حیات ننگین خود ادامه می داد را به سخره گرفتند. آنان بی هیچ پروا، بی هیچ وسواس و تردید «جزیره آرامش» رژیم شاه

را به دریای توفانی تبدیل کردند و «علیحضرت قدر قدرت» را از مرکب خود پسندی، دروغ‌گویی، خرافه پرستی و سرکوبگری به پایین کشیدند تا سرانجام این رژیم ستمگر با قیام مردم ایران در ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ سرنگون شد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پس از به قدرت رسیدن رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه به علت یک سلسله خطاها و کمبودها که مهمترین آن فقدان رهبری و خط مشی اصولی و انقلابی بود، نتوانست وحدت درونی خود را حفظ کرده و پایگاه اجتماعی خود که کارگران، کارمندان، مزدگیران، دانشجویان، روشنفکران ترقیخواه بود را سازماندهی کند. فقدان خط مشی اصولی و رهبری انقلابی سبب بروز انشعابهای گوناگون در سازمان شد، اما راهی که از سیاهکل آغاز شده بود، بی رهرو نماند و جوهر اندیشه و ماهیت عمل آنهايي که قیام سیاهکل را آفریده بودند همچنان پا برجا ماند و ما اکنون می‌کوشیم که با اندیشه و عمل خود راه کسانی که برای رهایی مردم ایران قیام کردند و جان باختند را ادامه دهیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در آغاز سی و سومین سالگرد حماسه سیاهکل به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستد و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقیق خواستهای ترقیخواهانه مردم ایران جان باختند را گرامی می دارد.

ما یاد همه ی زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در پیکارهای بی امان طی سی و دو سال گذشته در پایه چوبه های دار و اعدام و در رزمهای خیابانی با ستمگران، در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

اکنون پس از ۳۲ سال در شرایطی سالگرد حماسه و قیام سیاهکل را گرامی می‌داریم که کارگران، مزدگیران، معلمان، دانشجویان، جوانان و به طور کلی زنان و مردان آرزادخواه کشور ما با مبارزه روزمره خود رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه را هدف مبارزه خود قرار داده‌اند. جنبش دانشجویان در سالروز ۱۸ تیر و جنبش بزرگ کارگری در روز ۲۵ تیر امسال با شعار «این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است» و

صدها حرکت اعتراضی دیگر نشان داد که قاطبه مردم ایران خواهان برچیده شدن نظام چهل و سرکوب حاکم هستند و هیاهویی که ۶ سال قبل با روی کار آمدن خاتمی به وجود آمد، اکنون به زمزمه‌های مایوسانه تبدیل شده است. دوم خردادها که دستا نشان به پلیدترین تبهکاریها آلوده است و با عوامفریبی می‌خواستند خود را «اصلاح طلب» جا بزنند، اکنون که با موج خشم و نفرت عمومی مردم نسبت به رژیم که به صورت علنی و عملی خودنمایی می‌کند مواجه شده‌اند، به فکر آن هستند که با عوامفریبی چشم انداز روشنی برای اقدامات خود ترسیم کنند.

در حالی که دستگاه اهریمنی به اصطلاح قضایی هر روز ابعاد سرکوبگری خود را افزایش می دهد، دوم خردادها راه نجات را در تصویب نهایی دو لایحه خاتمی می دانند. اما زنان و مردان ایران زمین که طی سالهای پس از انقلاب بهمن عملکرد واقعی رژیم ارتجاعی و سرکوبگر حاکم بر ایران را با گوشت و پوست خود حس کرده‌اند و هر روز با اقدامات ویرانگرانه این رژیم مواجه هستند، دیگر حاضر نیستند دست از خواسته‌های اساسی و اولیه خود بردارند. رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه که به دست خمینی در ۲۴ سال قبل بنیان گذاشته شده و اکنون به وسیله مرتجعانی مثل خامنه‌ای، رفسنجانی و خاتمی اداره می‌شود برای مردم ایران چیزی جز سرکوب، اعدام، فلاکت، خانه خرابی، محرومیت، تبعیض و صدور تروریسم و جنگ ویرانگرانه نداشته است.

در شرایط بحرانی کنونی و با توجه به حاد بودن مساله عراق، مستبدان حاکم بر ایران که خود را بارها ام القرای کشورهای اسلامی اعلام کرده و همواره به انباشت سلاحهای کشتار جمعی مبادرت ورزیده اند، در صدد هستند تا از آب گل آلود برای خود ماهی صید کنند. سران مرتجع جمهوری اسلامی از هم اکنون تدارک دخالت در امور داخلی عراق را دیده اند و در صدد هستند که در شرایط فقدان قدرت مرکزی پس از شکست رژیم صدام حسین، سناریوی شکست خورده در سال ۱۹۹۱ را با ابعاد بزرگتر تکرار کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن مخالفت قاطع با هرگونه جنگ برای حل و فصل اختلاف بین دولتها، خواستار آن است که ملل متحد برای بررسی رفتار دولتها با مردم کشور خود در زمینه حقوق بشر و حقوق شهروندی

یک مکانیسم همگانی و بدون تبعیض اتخاذ کند.

ما همچنین خواستار اعزام یک کمیته تحقیق بین المللی به ایران برای بررسی قتل‌های سیاسی زنجیره ای و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ هستیم.

ما از خواست خانواده های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره ای، برای بررسی پرونده این جنایتها از طرف کمیته حقوق بشر ملل متحد حمایت می کنیم.

ما از خواست کارگران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران حمایت می کنیم و همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدگیران ایران اعلام می کنیم.

ما خواستار اقدام عاجل بین المللی برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، و الغای مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران هستیم.

خواستار اساسی مردم ایران در مبارزه علیه این رژیم جابر و ستمگر، دموکراسی، عدالت و جدایی دین از دولت است و برای تحقق چنین اهدافی باید نظام استبدادی-مذهبی ولایت فقیه را سرنگون کرد.

ما کارگران، مزدگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، جوانان و روشنفکران ترقیخواه ایران را به اتحاد، همبستگی، مبارزه و تلاش برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار و دموکراتیک فرا می‌خوانیم.

ما از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه ی پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در جنبش دموکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران به صفوف سازمان ما بپیوندند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
بهمن ۱۳۸۱

حمایت سازمان چریکهای

فدایی خلق ایران از

«فراخوان بین‌المللی در دفاع از حقوق

کارگران ایران»

عنوان نمایندگان کارگران ایران.

۳- اعمال فشار جهت برقراری نظارت مستقیم اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی بر مبارزاتی که برای ایجاد تشکیلات مستقل کارگری و نهادهای دموکراتیک و غیر وابسته به حکومت در ایران می‌شود.»

همچنین شانزده تن از فعالان جنبش سندیکایی ایران در روز ۱۷ بهمن ۱۳۸۱ طی نامه‌ای به اعضای هیات ویژه سازمان بین‌المللی کار، «خواهان حمایت و پشتیبانی آشکار مشاورین و کارشناسان سازمان بین‌المللی کار در راستای برگزاری مجمع عمومی آزاد و فراگیر کارگران در همه رشته‌های تولیدی و خدماتی، بدون دخالت و اعمال نظر نهادهای دولتی و غیرکارگری، جهت ایجاد اتحادیه‌های مستقل شاغلان رشته‌های مختلف هستیم. شایسته است که برای جلوگیری از هرگونه دخالت نهادهای دولتی، برگزاری این مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان در آن، تحت نظارت مستقیم مسئولین سازمان جهانی کار و اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی صورت گیرد.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن حمایت و پشتیبانی از «فراخوان بین‌المللی در دفاع از حقوق کارگران ایران» خواستار اقدام عاجل سازمان جهانی کار جهت پشتیبانی از جنبش کارگران و مزد بگیران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکیلهای مستقل کارگری می‌باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۸۱
۹ فوریه ۲۰۰۳

به دنبال تلاشهای نیروهای ترقیخواه و فعالیتهای مستمر مقاومت ایران در سازمان جهانی کار، رژیم ایران تن به بازدید هیاتی از جانب سازمان جهانی کار از ایران داد. طی روزهای ۵ تا ۱۱ مهر هیات مشاوره سازمان جهانی کار متشکل از خانم کارن کرتیس و آقای برنارد جرنیگان از ایران بازدید و در گزارش خود اعلام کردند که در واحد های کار «آزادی تشکیلهای مستقل» وجود ندارد.

در همین زمان جمعی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت ایران طی نامه‌ای به خانم کارن کرتیس و آقای برنارد جرنیگان، خواستار تلاش جدی و مستمر کارشناسان سازمان جهانی کار جهت حذف تمامی مواد قانون کار جمهوری اسلامی که به نحوی از انحاء مانع ایجاد تشکیلات مستقل کارگری است، شدند.

طی روزهای گذشته تعدادی از فعالان سندیکایی طی یک فراخوان بین‌المللی خواستار دفاع از کارگران ایران شده و از اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی و سازمان جهانی کار اقدامات ذیل را درخواست نموده اند.

«۱- فشار به دولت جمهوری اسلامی ایران جهت لغو فوری مصوبه شورای عالی کار در مورد حذف کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر از مواد حمایتی قانون کار و دیگر مصوبات ضدکارگری قید شده در این فراخوان.

۲- عدم به رسمیت‌شناسی شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های صنفی وابسته به حاکمیت و کارفرمایان به

اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

اعتراض کارگران کارخانه نختاب فروزان

در تبریز

کارگران کارخانه نختاب فروزان تبریز در اعتراض به حقوق عقب افتاده شش ماهه خود با اجتماع در محل این کارخانه، خواستار حل مشکل خود توسط مسئولان نظام شدند.

به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی (۳ بهمن ۸۱) فرماندار تبریز ضمن حق به جانب دانستن کارگران گفت مشکل، از هنگامی شروع شد که این کارخانه توسط سهامداران دولتی به بخش خصوصی واگذار شد. آقای محمدی گفت به دلیل گران شدن پنبه و عدم توانایی کارخانه در تامین مواد اولیه، این کارخانه دچار مشکلاتی شده است که اگر با مساعدتهایی که از طریق اعتبارات بانکی صورت می‌گیرد این مشکل حل نشود، از طریق قانون برای پرداخت حقوق کارگران اقدام خواهد شد

۷۱ تن از کارگران هنگروده آذربایجان اخراج شدند

مدیر عامل شرکت تولیدی بازرگانی هنگروده آذربایجان با هتک حرمت و قحاشی، ۷۱ تن از کارگران خود را اخراج کرد. به نوشته روزنامه کاروکارگر (۶ بهمن) کارگران اخراجی با ارسال شکوایتی به دفتر سرپرستی روزنامه کاروکارگر عنوان کرده‌اند که ما با صداقت کار می‌کردیم و هدف ما تولید بیشتر و سود بیشتر شرکت ولی متأسفانه مدتی است کارفرمای محترم بنای ناسازگاری را با کارگران به صدا درآورده تا جایی که با هتک حرمت و ناسزاگفتن و بدون پرداخت سهم ما از حقوق مان از کار اخراج شدیم. همچنین کارفرما تهدید کرده فقط نصف حقوق شما را به کسانی می‌دهم که حقتان را مثل آب خوردن بالا بکشند. در این نامه تصریح شده است که کارگران از آبان ماه تا سه سال سابقه کار و اکثراً متاهل و مستاجر هستیم. مدتی است اخراج شده‌ایم آنان عنوان نموده‌اند که کارفرما عیدی و پاداش سال ۸۰ و ۸۱ لباس کار و بن سه سال را به برخی کارگران پرداخت نموده است. قابل ذکر است شرکت فوق در زمینه تولید روده سورتینک و سورتیجینی فعالیت دارد.

تجمع اعتراض آمیز کارگران کارخانه

سیمین اصفهان

بیش از هزار نفر از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی اصفهان به دلیل پرداخت نشدن چند ماهه حقوق معوقه این کارخانه دست به اعتراض زدند. روزنامه اعتماد در شماره روز ۸ بهمن خود می

نویسد: در این تجمع که در مقابل این کارخانه صورت گرفت تعدادی از کارگران معترض خواستار لغو قانون بازخرید از سوی مسئولان کارخانه شده و از نحوه استفاده تسهیلات و تغییر ساختار این کارخانه انتقاد کردند.

سقوط اتوبوس حامل کارگران

روزنامه جمهوری اسلامی ۹ بهمن - سقوط اتوبوس حامل کارگران کشت و صنعت نیشکر کارون به کانال آب در حومه گتوند چند مجروح داشت. بر اثر مه غلیظ و دید ناکافی راننده اتوبوس حامل کارگران کشت و صنعت کارون به کانال آب کشاورزی دهستان جنت مکان گتوند سقوط کرد که متأسفانه در این حادثه چند تن از کارگران شرکت کارون در حالی که عازم منازل خود بودند به شدت مجروح شدند.

نخستین اتحادیه کارگران قراردادی

خبرگزاری دولتی ایسنا ۹ بهمن - تشکیل دهندگان این اتحادیه با ارسال نامه‌ای به ایسنا اعلام کرده‌اند: در حال حاضر بزرگترین مشکل اقتصاد ما که همان بیکاری است بر اثر کج فهمی و پاک کردن صورت مساله توسط متصدیان خرده سرمایه‌دار اقتصادی روز به روز زیادتر شده و بار دیگر به جای تدوین برنامه‌هایی مدون اقتصادی بر اساس منافع ملی و معضلات جامعه و اصلاح در ساختار مدیریت و نحوه و چگونگی و مقدار بهره بانکی (یکی از مهم‌ترین عوامل رکود اقتصادی) به بیراهه رفته و دیواری کوتاهتر از دیوار مظلوم‌ترین قشر جامعه (کارگران) نیافته‌اند.

در بخش پایانی این نامه خاطر نشان شده است: ما مظلوم‌ترین قشر جامعه کارگری (قراردادی و پیمانی) با اعتقاد راسخ آماده هرگونه مبارزه با اجحاف و بی‌عدالتی و حق‌کشی هستیم. این خبرگزاری یک روز بعد اعلام کرد که: نخستین مجمع عمومی اتحادیه‌ی کارگران قراردادی و پیمانی در محل ساختمان شماره ۲ وزارت کار و امور اجتماعی برگزار شد. به گزارش ایسنا، در این مجمع پس از گزارش سلامی، عضو هیات موسس اتحادیه‌ی کارگران قراردادی و پیمانی از عملکرد این هیات، دبیرکل خانه‌ی صنعت و معدن و رئیس کانون عالی شوراها به سخنرانی پرداختند.

در ادامه با شرکت اعضای مجمع، اساسنامه‌ی اتحادیه به تصویب رسید و اعضای اتحادیه انتخاب شدند.

در این انتخابات، اعضا از بین ۳۶ کاندیداها، ۷ نفر را به عنوان اعضای هیات مدیره و ۳ نفر را به عنوان هیات بازرسی انتخاب نمودند.

گردهمایی جهانی در پورتوالگره

اطلاعیه شماره یک

گردهمایی جهانی در پورتوالگره

همزمان با سی و سومین گردهمایی سالانه دو هزار تن از رهبران سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری جهانی در شهرک داووس در سوئیس، سومین گردهمایی اجتماعی جهانی با شرکت ۱۰۰ هزار نفر در پورتوالگره امروز در برزیل تحت شعار «دنیایی دیگر امکان پذیر است» شروع به کار نمود.

از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران رفیق مهرداد قادری در این گردهمایی شرکت کرده و هنگام ورود به برزیل مورد استقبال نمایندگان حزب کارگران برزیل و حزب کمونیستی آینده کارگری قرار گرفت.

امروز رفیق مهرداد قادری طی یک کنفرانس خبری اوضاع فاجعه‌بار حقوق بشر، فقدان آزادیهای سیاسی، حق اعتصاب، حق تشکیلات مستقل کارگران و مزدبگیران در ایران را تشریح نمود. هزاران نسخه از ایران - نبرد به زبان انگلیسی که در آن اخباری در مورد شکنجه، سنگسار، اعدام، قطع اعضای بدن و دستگیری گسترده جوانان، کارگران، روشنفکران و روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی درج شده، در گردهمایی امروز پورتوالگره پخش شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

۵ شنبه ۳ بهمن ۱۳۸۱

اطلاعیه شماره ۲

فعالیت‌های سازمان در گردهمایی جهانی

در پورتوالگره

در دومین روز گردهمایی اجتماعی جهانی (word social forum) و در نشست اصلی آن، رفیق مهرداد قادری از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سخنرانی نمود و نقطه نظرهای سازمان را در مورد جهانی سازی و شرایط حاکم بر ایران بیان کرد.

وی خواستار آن شد که در قطعنامه نهایی بر مبارزه علیه هر گونه بنیادگرایی مذهبی تأکید شود. نماینده سازمان همراه با ۲۵ نفر دیگر برای تهیه قطعنامه نهایی گردهمایی پورتوالگره انتخاب شد. همچنین از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یک بیانیه علیه نقض آشکار حقوق بشر در ایران برای امضاء در اختیار شرکت کنندگان در گردهمایی پورتوالگره قرار گرفت که تا کنون تعدادی از جریانهای سیاسی، سندیکایی،

اجتماعی، منجمله مهمترین سندیکای سراسری کارگری برزیل و ایتالیا آن را امضاء کرده‌اند. دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

۵ شنبه ۳ بهمن ۱۳۸۱

۲۵ ژانویه ۲۰۰۳



اطلاعیه شماره ۳

بیانیه در رابطه با ایران در

مجمع جهانی امور اجتماعی

در پورتوالگره

در پایان مجمع جهانی امور اجتماعی در پورتوالگره در برزیل، به پیشنهاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تعدادی از احزاب، سازمانها و شخصیتهای شرکت کننده در این مجمع جهانی قطعنامه‌ای در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران امضاء کردند. متن این قطعنامه همراه با امضاءها به زودی اعلام می‌شود.

همچنین رفیق مهرداد قادری طی سلسله ملاقاتهای خود در روز ۲۵ ژانویه با خانم گابریلا زیمر دبیر کل حزب کمونیست آلمان دیدار و گفتگو نمود.

در این ملاقات خانم زیمر با ابراز خوشحالی از حضور و فعالیت گسترده سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این مجمع به صورت مشروح به شرایط فعالیت کمونیستها در آلمان پس از انتخابات اخیر پرداخت.

خانم زیمر خواستار روابط نزدیکتر بین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و حزب کمونیست آلمان شد.

رفیق مهرداد قادری در این دیدار ضمن توضیح شرایط سیاسی - اجتماعی و بحران انقلابی در ایران، خواستار حمایت نیروهای ترقیخواه از جنبش مردم ایران علیه نظام استبدادی - مذهبی حاکم بر ایران شد. در این رابطه خانم زیمر قطعنامه مربوط به نقض حقوق بشر در ایران را امضاء نمود.

دبیرخانه سازمان

چریکهای فدایی خلق

ایران

۱۴ بهمن ۱۳۸۱

۳ فوریه ۲۰۰۳





۲۵ ژانویه ۲۰۰۳
ایران - قطعنامه
پورتوالگره - برزیل

قطعنامه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های سیاسی شرکت کننده در مجمع جهانی امور اجتماعی در پورتوالگره در مورد شرایط ایران

ما شرکت کنندگان در مجمع جهانی پورتوالگره با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی ایران و با توجه به احکام اخیر دادگاههای انقلاب اسلامی که زندانیان سیاسی و متهمان به جرائم عادی را به قطع اعضای بدن محکوم می‌کنند، به پیشنهاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، قطعنامه زیر را اعلام می‌کنیم:

۱- نگرانی خود را در مورد شرایط اجتماعی سیاسی ایران که در ماههای اخیر شاهد افزایش سرسام‌آور دستگیریها، اعدامها، و سنگسار می‌باشد را اعلام کنیم.

۲- استفاده سیستماتیک ایالات متحده آمریکا از جنگ علیه تمامی خلقهای جهان و به طور مشخص در این مقطع علیه مردم عراق و استفاده فرصت طلبانه جمهوری اسلامی ایران از این شرایط را محکوم می‌کنیم.

۳- گزارش اخیر سازمان جهانی کار در مورد وضعیت کارگران در ایران بسیار نگران کننده می‌باشد و در این راستا ما نیز نگرانی خود را در قبال شرایط کارگران اعلام می‌کنیم. کمبود قوانین برای دفاع از حقوق کارگران، فقدان حق اعتصاب و خودگردانی کارگران در سندیکاهای مستقل و رایج بودن کار خردسالان در جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنیم.

۴- پایمالی حقوق زنان که با وضع قوانین مشخص نقض می‌شود (حق طلاق، ارث، آزادی تحرک و مسافرت) را محکوم می‌کنیم.

۵- ما خواهان تشکیل کمیسیونی بین‌المللی متشکل از نمایندگان انجمنها و جنبشهای حقوق بشر، نمایندگان مقاومت ایران، وکلای مجمع امور اجتماعی اروپایی و جهانی، عفو بین‌الملل و سندیکاهای آزاد جهان برای بازدید از زندانهای ایران و بررسی شرایط زندانیان می‌باشیم.

۶- ما سازمانهایی که علیه رژیم مذهبی ایران مبارزه می‌کنند را بخشی از جنبش جهانی علیه تئولیرالیسم دانسته و خود را موظف به پشتیبانی از آنها در این مبارزه می‌دانیم.

۷- ما احکام وحشیانه و غیر انسانی دادگاههای انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی که به قطع اعضای بدن حکم صادر می‌کنند را محکوم می‌کنیم. ما توجه نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر را به این احکام وحشیانه و ضد انسانی جلب کرده و خواستار اقدام سریع برای لغو این احکام ضد بشری می‌باشیم.

۸- ما تمام نیروها و شخصیت‌های دموکرات را به یک مبارزه مشترک و همگانی برای لغو احکام ضد انسانی قصاص، سنگسار، قطع اعضای بدن و اعدام فرا می‌خوانیم.

اسامی به زبان لاتین

- 1- C.G.I.L (ITALIA)
- 2- Movimento Tresa Rodriguez (ARGENTINA)
- 3-PDS Partei des Demokratischen Sozialismus (Germany)
- 4- Partito della Rifondazione Comunista (ITALIA)
- 5- CPI Communist party of India (INDIA)
- 6- Marco Ferrando (PRC) ITALIA
- 7- Greek Social Forum (GREECE)
- 8- COBAS (ITALIA)
- 9- PCO Partido Causa Operaia (BRASIL)
- 10- Francesco Maselli (ITALIA) associazione internazionale audiovisivi
- 11- Vittorio Agnoletto Italia Social Forum (ITALIA)
- 12- I MODENA CITY RAMBLERS (ITALIA)
- 13-Luana Zanella Verdi (ITALIA)
- 14- Francisco Louçã (Portugal)

- 15- Un Ponte per (ITALIA) Fabio Alberti
- 16-Anti Nazi League (ENGLAND)
- 17- Alexander Buzgalin (RUSSIA)
- 18- ARCI (ITALIA)
- 19- Fulvio Grimaldi (ITALIA) Giornalista
- 20- Associazione Azad (ITALIA) Dino Frisullo
- 21- Franco Grisolia (PRC) ITALIA
- 22- BABAU MATHEW banglore trade union (BANGLORE- INDIA)
- 23-Bandiera Rossa (ITALIA)
- 24- CUT Central enica dos Trabalhadores (BRASIL)
- 25- Esquerda Unida (Spain)
- 26- Hector Mondragon (COLOMBIA)
- 27- ANDREJ GRUBACIC (Balcan social Moviment net work)
- 28- PCC Partido Comunista do Chile (CHILE)
- 29- Movimento contro la guerra (ITALIA)
- 30- Indimedia (Brasil)
- 31- Confederación Sindical de Comisiones Obreras (SPAIN)

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۷ بهمن ۱۳۸۱
۶ فوریه ۲۰۰۳

اسامی امضا کنندگان به فارسی

- ۱- سندیکای سراسری ایتالیا؛ ۲- جنبش ترزارود ریگرز (ارژانتین) ۳- حزب کمونیست آلمان؛ ۴- حزب احیای کمونیست ایتالیا؛ ۵- حزب کمونیست هند؛ ۶- مارکوفرنندو رهبر حزب کمونیست ایتالیا؛ ۷- سوسیال فوروم یونان؛ ۸- سندیکای آزاد کارگری ایتالیا؛ ۹- حزب کمونیست آینده کارگری برزیل؛ ۱۰- فرانچسکو مازلی، انجمن بین‌المللی صدا و سیما (ایتالیا) کارگردان؛ ۱۱- ویکتوریا آنیو لوتا، رهبر سوسیال فوروم ایتالیا؛ ۱۲- مودنا سیتی رامبلر، گروه موزیک (ایتالیا)؛ ۱۳- نماینده مجلس سبزه‌ها، لوانا زانلا (ایتالیا)؛ ۱۴- نماینده مجلس فرانسویسکو لوکا (پرتغال)؛ ۱۵- فابیو البرتی، پلی برای ایتالیا؛ ۱۶- لیگ ضد نازی (انگلیس)؛ ۱۷- الکساندر بوزگالین، روشنفکر (روسیه)؛ ۱۸- آرچی (ایتالیا)؛ ۱۹- فولویو گرمالدی ژورنالیست (ایتالیا)؛ ۲۰- دینوفریزولو، انجمن آزاد (ایتالیا)؛ ۲۱- فرانکو گریزولیا رهبر حزب کمونیست ایتالیا؛ ۲۲- بابا مایتو،

زنان و مسیر رهایی

لیلا جدیدی

نخستین مجله مد در ایران

۱۱ بهمن - خبرگزاری رویتر می نویسد: در ایران، کشوری که زنان ناچارند از لباسهای گشاد که تا میچ پا را می پوشانند استفاده کرده و مو و گردن خود را زیر روسری مخفی کنند، برای اولین بار پس از انقلاب ۱۹۹۷ یک مجله مد منتشر می شود. ناشر این مجله باعکسهای رنگی و صفحات براق، خانم زمانی، می گوید "من از رنگهای زیبا استفاده کرده ام تا روح و روان زنان را تازه کند". مدهای لباس در این مجله شامل شلوار و بلوزهای بلند، بلوزهای یقه اسکی، کت های زیر زانو با دامنه های بلند، روسریهای رنگی به شکل عمامه و شل های بلند است. قیمت این لباسها بین ۱۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار می باشد. این مجله به قیمت ۳/۷۵ دلار به فروش می رسد.

این واقعت که زنان ایرانی با پوشش تحمیلی رژیم پیوسته مبارزه کرده و با پیروی از مد روز به نوعی مبارزه فرهنگی نموده اند بر کسی پوشیده نیست، اما انتشار یک مجله مد و تبلیغ لباسهایی با این قیمتها حاکی از آن است که آرامش بخشیدن روح و روانی که این طراح مطرح می کند متوجه قشر مرفه و محدودی می باشد و نه برای زنان در مجموع.

منشاء ستم به زن

۱۴ بهمن - بنا بر گزارش ایسنا، سردار طلائی، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، در مراسم تجلیل از کارکنان زن پلیس تهران منشا ظلم به زنان را نادیده انگاشتن هویت زن و نگاه مبتنی بر زن مداری یا فمینیستی دانست. اوسبیس اضافه کرد: در هر دو دیدگاه مطرح شده هیچ گاه به محتوای روابط اجتماعی و خانوادگی تاکید نشده بلکه موضوع اصلی این بوده که چه کسی سکاندار یا رییس است.

فرمانده نیروی انتظامی با بهره گیری از سیستم مردسالانه ای که او را در جایی قرار داده تا بتواند برای زنان تصمیم گیری کند، روش مبارزه با ظلم به زنان را به کار گیری دین اسلام دانسته و ضمن تاکید بر نقش محبت و مهربانی در ایجاد روابط اجتماعی گفت: "افراد جوامع باید با یکدیگر به شکل مادرانه و عاطفی برخورد کنند و به نوعی بر جامعه دینی یا اسلامی نه اینکه مردسالارانه یا زن سالارانه باشد." آیا بهتر نبود ایشان سخنرانی اشان را برای اربابانش می کرد که قانون اساسی زن ستیزانه جمهوری اسلامی را نوشته اند؟

ازدواج اجباری یا زندان

۱۴ بهمن - در پی بالا رفتن شمار زنان خیابانی، مجید یارمند مدیر کل دفتر امور تامین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور گفت: مسلمان مهمترین قدم در راه ریشه کن کردن این مشکل اقدامهای پیشگیرانه و درمان است که همواره ارزاتر از هر طرح دیگری است و می توان در این مورد با کمک ازدواجهای موقت و سریع پیشگیری لازم را انجام داد. (ایسنا) یارمند تصریح کرد: در صورتی که درباره اقدامهای پیشگیرانه موفق عمل نکنیم، باید زنان خیابانی را به لحاظ بهداشتی و هویت کاملاً شناسایی کرده و اگر اقدامهای بازپروری نیز جواب نداد، بر اساس مراجع قضایی و حکم قانون با آنها برخورد شود. بنا بر این راه حل این معضل اجتماعی توسط بالاترین مقامات رژیم، ترویج فحشاء، ازدواج اجباری و یا زندان برای زنان تعیین می شود.

زن رئیس جمهور نباید بشود

۱۸ بهمن - آیت اله خزعلی در گفتگویی که گروه تاریخ خبرگزاری دانشجویان ایران با او داشته است می گوید: "برخی از هواخواهان غرب که به دنبال امام بودند، از جمله بازرگان و دیگران، جمهوری "دموکراتیک" را مطرح می کردند، امام فرمود خیر، جمهوری اسلامی. نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. دموکراسی خارج، از عقل بشر زاییده است. مثلاً زن و مرد مساوی باشند. (که الان هم دارند این بوق را باد می کنند)، اما ما آنچه خدا فرمود را می پذیریم. ما برای خدا قیام کردیم و آنچه را خدا فرموده می خواهیم؛ لذا جمهوری اسلامی باشد." او همچنین اشاره کرد که وقتی که برای تدوین قانون اساسی به همراه خبرگان پیش خمینی رفته بودند از جمله مواردی که او سفارش کرده است این بوده که در جمهوری اسلامی زن رئیس جمهور نشود و گفته "اگر دست آنها داده می شد، چه فرقی می کرد، همان جمهوری بود که هر کس را انتخاب کردند، کما این که الان زمره اش را دارند."

اعتراض زنان استرالیا به جنگ

۱۹ بهمن - بیش از ۷۰۰ زن با عریان کردن خود و با قرار گرفتن در کنار یکدیگر به طوری که حروف نوشته شده روی بدن آنها شعار "جنگ نه" را نشان می داد، به دخالت احتمالی دولت استرالیا در حمایت از جنگ علیه عراق اعتراض کردند. این زنان بین سنین ۲۰ تا ۶۰ ساله بوده اند. یک خانم سازمان دهنده این اعتراض گفت که زنان بدین وسیله خشم خود از این سیاست را به نمایش گذاشته اند. (رویتر)

در ایالت نیویورک نیز اعتراضاتی بدین شکل صورت گرفت که خوانده می شد "بوش نه".

بیش از یک سوم قاضیان تریبونال دائمی جهانی جنایات جنگی زنان هستند

۱۹ بهمن، سازمان ملل - اولین تریبونال دائمی جهانی جنایات جنگی، قدمی بزرگ برای شروع به کار گذاشت. ۸۵ کشور، قضات این دادگاه را انتخاب کردند که بیش از یک سوم آنان را زنان تشکیل می دادند. این تعداد زن برای یک دادگاه بین المللی بی نظیر می باشد. ریچارد دیگر از دیده بان حقوق بشر گفت که این تعداد زن و گوناگونی جغرافیائی قضات "به بالابردن حقانیت بین المللی این نهاد جدید کمک خواهد کرد."

تظاهرات در بیروت علیه کمپانی Estee Lauder

۱۸ بهمن - بیش از ۱۰۰ زن در بیروت، در مقابل یک فروشگاه بزرگ که اقدام به فروش لوازم آرایش کمپانی بزرگ استه لادر Estee Lauder را کرده بود به دلیل کمک کمپانی مذکور به اسرائیل، دست به تظاهرات زدند. این زنان در پلاکاردی نوشته بودند "منافع حاصله از استه لا، صرف خرید گلوله برای قتل زنان و کودکان فلسطینی می شود." (آسوشیتد پرس)

جایگاه زن در کتابهای درسی

۲۰ بهمن - بنا بر گزارشی از ایسنا، طبق یک تحقیق در باره مقایسه جایگاه زنان و مردان در کتابهای درسی فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدائی آموزش و پرورش، فعالیتهای خانگی تنها مقوله ای است که به زنان بیشتر از مردان نسبت داده شده است. در این کتابها که دو برهه از تاریخ آموزش و پرورش ایران (پیش از انقلاب ضد دیکتاتوری سلطنتی و پس از آن) که در مجموع شانزده جلد کتاب درسی است را به عنوان نمونه تحلیل قرار داده است، فعالیت شغلی، اجتماعی، اسامی، نقشهای اصلی، اسامی شخصیت های مشهور و تصاویر، به مردان بیشتر از زنان اختصاص داده شده است و در فراوانی فعالیتهای تربیتی زنان و مردان تفاوت معنی داری مشاهده نشده است. نتایج این تحقیق می افزاید: در بخش تحلیل کیفی آشکار شده است که درموتون درسی بررسی شده از نظر فعالیتهای شغلی، فعالیتهای اجتماعی و فعالیتهای خانگی که به زنان نسبت داده شده است تبعیض جنسیتی وجود دارد و در معرفی شخصیت زنان کلیشه های جنسیتی نقش داشته است.

زنان افغانی در آکادمی پلیس

۲۰ بهمن - سخنگوی سازمان ملل در افغانستان گفت که مقامات افغانی تلاش می کنند تا زنان را برای نام نویسی در آکادمی پلیس تشویق کنند (رویتر). در حال حاضر ۱۴۵۰ نفر در این آکادمی تعلیم داده می شوند که ۲۹ نفر آنان زن هستند. از ۸۰۰۰ پلیسی که در کابل کار می کنند ۶۰۰ نفر از زنانی هستند که که قبل از سال ۱۹۹۲ و به قدرت رسید طالبان تعلیم دیده بودند.

روز عشاق در ایران

۲۱ بهمن. خبرگزاری آسوشیتد از تهران گزارش می دهد که پلیس لباس شخصی اقدام به بستن مغازه هایی کرد که برای روز ۱۴ فوریه، روز عشاق، هدایا و تزییناتی تهیه و به فروش می رسانند. یک دختر ۱۸ ساله به خبرنگار می گوید "آنها نمی خواهند که ما شاد باشیم زیرا روز عشاق روز شادیست" یک مغازه دار نیز گفت باینکه وسایل مرا جمع کردند اما هنوز دختران و پسران زیادی برای خرید هدایا مراجعه می کنند. یک پسر ۲۳ ساله نیز گفت "در فرهنگ غربی چیزهای خوبی نیز وجود دارد. آنها نمی توانند ما را مجبور کنند آنچه که محافظه کاران دوست دارند بخیریم. این تنها سبب تنفر بیشتر ما می شود و واکنش منفی ببار خواهد آورد." یک مغازه دار نیز گفت آنها حتی عروسک میکی ماوس که یکدیگر را در آغوش داشتند بر داشتند.

افغانستان

زنان و دختران در بخشهایی از افغانستان همچنان تحت فشار، محدودیتهای شدید، مزاحمت و بدرفتاری قرار دارند. صدها کارمند زن از سمتهای خود در وزارتخانه های دفاع و خدمات اطلاعات امنیتی بر کنار شده اند.

در زمان حکومت کمونیستی، بیش از دو هزار کارمند زن در استخدام وزارتخانه های دفاع و اطلاعات کشور بودند.

تحت رژیم رژیم طالبان، زنان افغان از تصدی سمتهای دولتی بر کنار و از کار در بیرون از خانه منع شدند. اما با آغاز به کار دولت موقت، زنان کارمند به مشاغل دولتی باز گشتند. دولت اعلام کرده که اخراج زنان کارمند به دلیل کاهش کارمندان دستگاه های دولتی صورت گرفته است.

این در حالی است که دستگاههای دولتی افغانستان، با تورم کارمند مواجه است.

ادغام بنیاد و تردیدها

م- حبیبی

به گزارش خبرگزاریها، در تاریخ ۸ بهمن ۸۱، به پیشنهاد خاتمی و تأیید خامنه‌ای سه نهاد بزرگ بنیاد مستضعفان و جانبازان و بنیاد شهید و ستاد رسیدگی به امور آزادگان در هم ادغام خواهند شد. علت این ادغام نیز آنگونه که خامنه‌ای در پاسخ به درخواست خاتمی عنوان کرده است، «ارائه خدمات به خانواده شهدا و جانبازان و آزادگان است» که ظاهراً نارضایتیهای بسیاری را در حلقه طرفداران رژیم ایجاد کرده است. به فاصله سه روز پس از انتشار این خبر، سخنگو و مسئول روابط بین‌المللی بنیاد مستضعفان و جانبازان طی یک مصاحبه با رادیوی بی بی سی بخش فارسی، خبر ادغام کلی این سه نهاد بزرگ را تکذیب و اعلام کرد که: «اصل ادغام به این صورت است که در راستای برنامه سوم توسعه اقتصادی، سه سازمان امور جانبازان که متعلق به بنیاد مستضعفان است و بنیاد شهید انقلاب اسلامی و ستاد رسیدگی به امور آزادگان تحت نظر ریاست جمهوری اداره خواهد شد، این سه سازمان که وظیفه خدمات به اینارگران را به عهده دارند در هم ادغام خواهند شد، و نهاد جدیدی که از این ادغام تشکیل خواهد شد سازمان اینارگران نام خواهد گرفت». با این وصف، به هیچوجه ادغام اقتصادی این سه نهاد مطرح نیست و فقط آن بخشی که به رسیدگی به امور جانبازان و اینارگران و آزادگان نامیده می‌شود را در بر می‌گیرد. در این جا لازم است نگاهی هر چند گذرا به چگونگی شکل گیری این نهادها و علت وجودی آنها داشته باشیم.

بنیاد مستضعفان و جانبازان در ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۷ به فرمان خمینی تشکیل شد. در باره هدف از تشکیل این بنیاد با توجه به اساسنامه آن، که در تاریخ ۲۱/۴/۱۳۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسید، قید شده است که «به منظور تمرکز اموال خاندان پهلوی و وابستگان آنها و تملک این اموال توسط بنیاد، و به مصرف رساندن همه درآمدهای بنیاد در راه بهبود وضع زندگی و مخصوصاً مسکن مستضعفان با رعایت الویتهایی که در آئیننامه مخصوص شده است». این بنیاد که در ابتدا به صورت سه واحد جدا از هم عمل می‌کرد، در حال حاضر به صورت یک کارتل مهم اقتصادی در ایران در آمده است که در زمینه‌های مختلف اعم از استخراج منابع نفت، صنایع و معادن، جهانگردی و ... فعالیت دارد و به صورت دولت در دولت عمل می‌کند و تحت نظر مستقیم خامنه‌ای قرار دارد.

بنیاد شهید- پس از فرمان خمینی در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ مبنی بر ایجاد سازمانی به منظور رسیدگی به امور این

قشر، در فروردین ۱۳۵۹ سازمانی تحت عنوان بنیاد شهید تشکیل شد. آن گونه که در اساسنامه این بنیاد آمده است، «هدف از تشکیل بنیاد شهید، سرپرستی و حمایت از خانواده شهدا و معلولین انقلاب اسلامی و فراهم نمودن تسهیلات زندگی اعم از فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی و رفاهی برای آنان است». این بنیاد نیز نظیر دیگر نهادهای وابسته به حاکمیت تعدادی زیادی بنگاههای اقتصادی را تحت سیطره خود دارد و از امکانات مالی آنها استفاده می‌کند. بنیاد امور مهاجرین جنگی و ستاد امور رسیدگی به امور آزادگان نیز از جمله نهادهایی هستند که بعد از جنگ ایران و عراق تأسیس شدند و مسئولیت مشخص آنها نیز رسیدگی به امور جنگ زدگان و اسراء بود.

فصل مشترک بنیادهای فوق‌الذکر، در زمینه علت تأسیس آنها در این است که این نهادها حداقل در شکل اساسنامه‌ای آنها، رسیدگی به یک امر مشخص مثلاً «مستضعفان، خانواده شهدا، جنگ زدگان و اسراء» را در برنامه کاری خود داشتند، ولی حال در آستانه‌ای بیست و چهارمین سالگرد حاکمیت استبداد مذهبی حاکم بر ایران، مسئولان ذریبط به این نتیجه رسیده‌اند که بنیادهای مورد بحث، کارایی لازم برای انجام مسئولیتی که به عهده آنها واگذار شده بود را ندارند و لذا، نهاد جدیدی از ادغام سه سازمان تشکیل می‌شود، سه سازمانی که اساساً برای همین منظور تأسیس شده بودند. علت این ادغام هم نه کاهش هزینه دیوان سالاریهای موجود در سیستم اداری حاکمیت، بلکه فقدان رسیدگیهای لازم و نارضایتی اقشار مورد نظر ذکر شده است. به این ترتیب ماموریتی که طی بیست چهار سال با آن همه امکانات مالی انجام نشده، قرار است در غالب نهادی جدید صورت تحقق یابد. پروژه‌ای که در بسیاری از محافل اقتصادی با شک و تردید روبروست.

بودجه ۸۲ و تورم

مرکز پژوهشهای مجلس رژیم، اخیراً طی یک گزارش تحلیلی از بودجه سال ۸۲ نرخ تورم را برای سال آینده، ۲۱/۷ درصد ارزیابی کرده است. و این در حالیست که نرخ تورم پیش بینی شده در لایحه بودجه سال آینده، رقمی بین ۱۵ تا ۱۷ درصد را دربر می‌گیرد. در همین ارتباط رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید: اگر سیاستهای تعادلی مالی بودجه ادامه یابد، رشد نقدینگی بین ۱۴ تا ۱۵ درصد در سیاستهای پولی پیش بینی شده است. وی رشد تورم بالای ۲۰ درصد را غیر واقعی خواند.

یکی از عواملی که در رشد تورم نقش بازی می‌کند، کسر بودجه و نحوه تأمین آن است. طی ۲۲ سال گذشته، یک حفره مالی در بودجه دولت همواره تکرار شده است، و استفاده از بودجه عمرانی، استقراض از بانک مرکزی و استقراض از منابع خارجی تنها راه تأمین این کسر بودجه بوده است. لایحه بودجه سال ۸۲ تنها لایحه بودجه‌ای است که از قیل مشخص می‌کند این لایحه با کسری مواجه خواهد شد. به عبارت دیگر در این لایحه عنوان شده که یک کسر بودجه برنامه ریزی شده را در نظر گرفته است. آن گونه که در کمیسیون تلفیق بودجه به تصویب رسیده است، دولت در سال آینده با ۱۲۰۰ میلیارد تومان کسر بودجه مواجه خواهد بود. البته رئیس کمیسیون تلفیق بودجه می‌گوید:

بر اساس پیش بینیهایی وی کسر بودجه واقعی دولت در سال آینده، به چهار هزار میلیارد تومان خواهد رسید. برای جبران آن چند راه متصور است: استفاده از درآمدهای مالیاتی، که در این زمینه همچنان که تجربه سال گذشته نشان داد نتایج موفقیت آمیزی برای رژیم در بر نداشت، شرکتیهای دولتی که ۶۴ درصد بودجه کل کشور را می‌بلعند، یا زیانده هستند، و یا در اساس از پرداخت مالیات معاف هستند. دو راه باقی مانده یکی استفاده از مالیاتهای مستقیم است که بیشترین فشار تورمی را به روی اقشار با درآمدهای ثابت یعنی کارمندان وارد خواهد آورد. راه دیگر تأمین این کسر بودجه، استقراض از بانک مرکزی و انتشار اوراق قرضه و استقراض از منابع خارجی است. تا آنجایی که به استقراض از بانک مرکزی بر می‌گردد، بنا به اعتراف مسئولان بانک مرکزی، دولت طی این سالها، هیچگاه به وعده‌های خود در رابطه با بازپرداخت این قروض عمل نکرده است، که مفهوم آن نیز این است که این خلاء با انتشار اسکناسهای جدید پر شده و در نتیجه تورم رو به افزایش می‌گذارد. در رابطه با انتشار اوراق قرضه نیز وضع به همین منوال است. چرا که در نبود منابع مالی به هنگام سررسید اوراق مشارکت، این بانک مرکزی است که باید جوابگو باشد، که در نهایت امر، این دور باطل، سرانجامی جز افزایش فشارهای تورمی در جامعه ندارد.

خلاصه این که آنانی که تورم ۲۱/۷ درصدی برای سال آینده را غیر واقعی می‌دانند، باید خیلی امیدوار باشند که این نرخ تورم در این حد باقی بماند. چرا که شواهد موجود گواهی از آن دارد که نرخ تورم برای سال آینده، از این مرز نیز عبور خواهد کرد.

اصلاحات و توسعه سیاسی لازم و ملزوم یکدیگرند

سارا، ب

رژیم مبتنی بر ولایت فقیه از بدو تحکیم سیستم ارتجاعی خود، با برنامه ریزی دست به ایجاد نهادها و ارگانهای سرکوبگری زد که هدف مشخص آن تثبیت و حفظ پایه های رژیم استبدادی مذهبی بود. در مقابل یورش این نهادها، مردم نیز ساکت ننشستند و هر لحظه رژیم را به چالش گرفتند، اعتراضات و اعتراضات زحمتکشان و کارگران، زنان و دانشجویان نیز از همان ابتدا آغاز گردید. واقعه دوم خرداد ۷۶ نیز چیزی جز اظهار انزجار علنی توده ها از الیگارشی مذهبی حاکم نبود و در حقیقت مهمترین تأثیر آن چند شاخه گی و شکاف در حاکمیت بود. امروز، همراه با گسترش و رادیکال تر شدن جنبشهای اجتماعی در داخل و فشار مبارزان و سازمان ها و احزاب مترقی در خارج از مرزها در جهت افشاء و تضعیف ارتجاع حاکم بر میهنمان در سطح بین المللی، تضاد و کشمکش در جناح ها و باندهای حکومتی نیز هر لحظه عمیقتر شده است به طوری که در ماهی که گذشت دو روزنامه وابسته به «جناح دوم خرداد»، توسط قوه قضائیه که یکی از مهمترین ارگانهای سرکوب رژیم است و مستقیماً از بیت رهبری دستور می‌گیرد، توقیف شد. این روزنامه ها متعلق به جناحی از حاکمیت است و نظرات بوروکراتها و تکنوکراتهای حکومتی همراه با تنی از ژورنالیستهای «خودی» که قصد اصلاح و بازسازی مشروعیت نظام را دارند را منتشر می‌کند و این نیز بدیهی است، زیرا هر دولت نوعی از روابط طبقاتی و منافع استراتژیک مشخصی را نمایندگی می‌کند و از این رو مشروعیت خویش را نیز از وفاداری به همان روابط کسب می‌کند. منافع طبقاتی جبهه دوم خرداد، مبتنی بر ادغام ایران در بازار جهانی و نئولیبرالیزه کردن اقتصاد میهنمان با کمک صندوق بین الملل پول و بانک جهانی و جلوگیری از «تغییر» و «انقلاب» و جایگزین شدن ساختاری در اساس متفاوت مبتنی بر روابط دیگری با آنچه امروز است، می‌باشد و بنابراین منافع جبهه دوم خرداد در تضاد کامل با منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان میهنمان فرار گرفته است. اما بستن روزنامه های خودی پدیده تازه ای نیست زیرا در گذشته ای نه چندان دور، قوه قضائیه با توسل به ابزار قانونی، فرمان توقیف نزدیک به ۲۰ روزنامه را در یک روز داد. این پدیده از آن جهت اهمیت دارد بقیه در صفحه ۱۴

در گوشه و کنار جهان

اسد طاهری

آفریقای جنوبی

نلسون ماندلا رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی و برنده جایزه نوبل، در ژوهانس بورگ، جرج دبلیو بوش رئیس جمهور آمریکا و تونی بلر نخست وزیر انگلستان را متهم کرد که به خاطر نفت در حال تدارک یک فاجعه جهانی هستند.

او گفت بوش نمی‌تواند درست فکر کند، او و هم قطارانش می‌خواهند اعتبار سازمان ملل را از بین ببرند. ماندلا همچنین گفت با وجود برخورداری اسرائیل از سلاح‌های کشتار جمعی، آمریکا از سازمان ملل نمی‌خواهد اقدامی علیه اسرائیل انجام دهند، چون دوست و متحد آمریکاست.

او از مردم آمریکا خواست که با آرا خود بوش را از مقام ریاست جمهوری برکنار کنند. ماندلا گفت از هرگونه اقدامی که سازمان ملل علیه عراق تصویب کند، حمایت خواهد کرد.

آمریکا

یک گروه دوازده نفری از زنان آمریکایی به نام صلح راهی بغداد شدند. این زنان با لباسهای صورتی و گل‌های صورتی عازم بغداد شده و قصد دارند در آن جا از کودکان آسیب دیده در جنگ خلیج فارس که در بیمارستان‌های عراق به سر می‌برند دیدار کنند. این گروه قرار است در یکی از پالایشگاههای نفتی تحصن کرده و به سیاستهای آمریکا اعتراض کنند و احتمالاً با بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل دیداری خواهند داشت. آنها در بغداد به پنجاه زن استرالیایی، آفریقایی و اروپایی خواهند پیوست.

ترکیه

سه کشور فرانسه، آلمان و بلژیک با طرح ۱۶ عضو دیگر پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای دفاع از ترکیه مخالفت کردند.

ترکیه با استناد به بند ۴ معاهده ی ناتو، خواستار مشورت اعضای ناتو در باره ی خطر حمله به این کشور شده بود.

ساحل عاج

ده‌ها هزار تظاهر کننده ساحل عاجی در اعتراض به حضور نظامیان فرانسوی در کشورشان، کنسولگری فرانسه در "آبیجان" را به آتش کشیدند. سربازان فرانسوی به سوی تظاهرکنندگان خشمگین که در برابر سفارت فرانسه تجمع کرده بودند، گاز اشک آور و نارنجک‌های صوتی پرتاب کردند.

در حال حاضر مخاصمات بین سه گروه مخالف، جنبش میهن پرستی ساحل عاج، جنبش عدالت و صلح و جنبش خلق ساحل عاج با نیروهای وفادار به "لورنت گانگیو"، در جریان است. پس از چهار ماه کشمکش بین دو طرف، اکنون خاک ساحل عاج بین آنها تقسیم شده و انقلابیون موفق شده اند بخشهای قابل توجهی از شمال ساحل عاج را به تصرف خود در آورند.

کلمبیا

ارتش آمریکا یک واحد ویژه آن کشور را به منظور آموزش نیروهای مسلح کلمبیا و محافظت از خط لوله های نفتی در برابر حملات چریکهای "فارک"، وارد این کشور شدند. در خلال دو سال اخیر، این خط لوله های نفتی حداقل دویست مورد هدف حمله چریک های "فارک" قرار گرفته است.

دولت پرزیدنت "بوش" با حمایت کنگره تصمیم گرفت که کمک آمریکا را به مبارزه با چریکهای کمونیست کلمبیایی گسترش دهد. این گروه ویژه به گروه قبلی که در ایالت "اروکا" در شرق این کشور، در نزدیکی مرز ونزوئلا مستقر شدند، خواهد پیوست.

جمهوری دموکراتیک خلق کره

بحران کره شمالی و آمریکا هر روز رو به افزایش است و فرمانده کل نیروهای نظامی آمریکا در اقیانوس آرام، نیروهای خود را به حالت آماده باش کامل در آورده است.

مستولان دولتی کره شمالی اظهار داشتند، که ما (کره شمالی) در دفاع از خود به هر کشوری که در صدد حمله به ما باشد کوتاهی نخواهیم کرد. آنان اعلام کردند مردم کره برای نبرد علیه امپریالیسم آماده هستند.

همچنین چین به شورای امنیت سازمان ملل نسبت به هر گونه دخالتی در بحران هسته ئی کره شمالی هشدار داد.

هایتی

در ظرف دو ماه گذشته، هایینی در اثر اعتراضات و اعتصاب عمومی قلع شده است. گوئی همین چند سال پیش بود که مردم هایینی به طرفداری از "ژان آریستید" تظاهرات می کردند و خواستار سرنگونی "دوالیه" رئیس جمهور سابق بودند، و حالا با "دوالیه" جدیدی مواجه شده اند. از زمان به قدرت رسیدن "آریستید" (۲۰۰۰)، وضع حقوق بشر بدتر شده، فقر افزایش یافته، دو سوم کارگران بیکارند و از هر ده نفر شش نفر با سوء تغذیه مواجه هستند. قیمت ها رو به افزایش است و بالا رفتن قیمت نفت و بنزین زندگی زحمتکشان را با مشکل مواجه کرده است.

سازمان جهانی کار

سازمان جهانی کار، طی گزارشی اعلام کرد میزان بیکاری در جهان به سطح بی سابقه ی رسیده و احتمال بالا رفتن این میزان همچنان وجود دارد.

در حال حاضر ۱۸۰ میلیون بیکار در سراسر جهان وجود دارد که این رقم معادل ۶٫۵ درصد نیروی کار جهان است. گزارش این سازمان حاکی از این است که زنان شاغل در بازرگانی همچون صادرات منسوجات و همچنین جوانانی که برای نخستین بار جویای کار هستند، بیش از بقیه از رشد بیکاری در جهان آسیب دیده اند. در خاور میانه و آفریقا حدود یک چهارم نیروی کار در شرایط بیکاری به سر می برند. و میزان بیکاری در آمریکای لاتین به دلیل بحرانهای اقتصادی که به اقتصاد این منطقه آسیب رسیده ۱۰ درصد رشد داشته است. سازمان جهانی کار اعلام کرده است که اگر سازمان ملل متحد بر عزم خود در رساندن تعداد تنگدستان جهان به نیمی از رقم کنونی پایبند است، باید ظرف ۱۰ سال آینده یک میلیارد کار در جهان ایجاد شود.

اصلاحات و توسعه سیاسی

بقیه از صفحه ۱۳

که اگر بپذیریم که عامل تعیین کننده در تکامل نیروهای مولد یک جامعه، انسانهای مولد آن جامعه هستند که با خلاقیتها، ابداعات، اختراعات و نوآوریهای خود قدرت تولید جامعه را بالا می برند و شیوهی تولید جامعه را متحول می سازند و پیشرفت علم و صنعت، هنر و فلسفه و دانش عمومی جامعه بخش جدائی ناپذیری از تولید در قلمرو ذهن انسانها است، ناچار از پذیرش این مسأله هستیم که پیشرفت علم و صنعت و در حقیقت "اصلاحات" - آنچه که جبهه دوم خرداد به گزاف از آن دم می زند - ممکن نخواهد بود جز با آزاد ساختن نیروهای خلاقه ی آن جامعه و این آزاد سازی تنها در شرایط "توسعه سیاسی" امکان پذیر است. توقیف روزنامه های "حیات نو" و "بهار"، برای چندمین بار مهر تایید بر این واقعیت زد که "این نظام اصلاح پذیر نیست". زیرا زمانی که جبهه دوم خرداد که جناحی از بدنه این نظام است و خواستار سمت دهی اجتماع و ساختار اقتصادی در جهت تأمین منافع طبقات نوین بوروکرات ها و تکنوکرات ها و ارتباط ارگانیک با بازار جهانی به منظور ترمیم و تنظیم ساختار کهنه رژیم و خواستار اصلاحاتی حقیر و محدود در چهارچوب تنگ خواسته های بورژوازی عقب مانده نهفته در همین حکومت ارتجاعی است، قدرت و توان دفاع از منافع طبقاتی خود را ندارد، چطور می‌توان انتظار داشت که کارگران و زحمتکشان که اکثریت افراد جامعه را در بر می‌گیرند و نعمات مادی و معنوی حاصل کار طاقت فرسای آنان است و همچنین از دخالت کردن در قدرت سیاسی نیز محرومند، بتوانند با دل بستن به اصلاحات حکومتی به مطالبات خود دست پیدا کنند!! از آنجا که "مدرنیاسیون" و "توسعه سیاسی" لازم و ملزوم یکدیگرند نمی‌توان در مورد حل بحران فراینده بیکاری و پیشرفت علم و صنعت و.. سخنرانیهای طولانی داشت و از طرفی دیگر درون این حکومت بود و از تئوری سیاسی این نظام نیز دفاع کرد زیرا عینیت تحولات درونی جامعه نشانگر آن است که ارتجاع حاکم همراه با نهادهای سرکوبگری همچون قوه قضائیه ظرفیت تحمل ابراز نظرات حقیر جناحی "خودی" را نیز ندارد. تجلی احترام به حقوق شهروندی همراه با روابط اقتصادی عادلانه احتیاج به توسعه سیاسی دارد که فقط در پرتوی سرنگونی این نظام با تمام دسته بندیها و جناحهایش امکان پذیر است. بنابراین امروز که که کشمکشها در هرم حاکمیت وارد فاز شدیدتری شده باید کوشید که صف جنبشهای دانشجویی، زنان، کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه را از صف افراد و باندتهائی که به نوعی در جهت منافع و خواستههای جناحهای حکومتی گام بر می دارند جدا کرد و در واقع آن را از صافی گذراند تا از رسوباتی که قصد سوء استفاده از پتانسیل این جنبش ها در جهت ترمیم و تثبیت هر چه بیشتر این نظام را دارند، پاک شود. زیرا هر گونه تغییر اساسی در روابط اقتصادی حاکم پیش از هر چیز مستلزم نفی نمایندگان آن و دولت و تئوری سیاسی حاکم است. اکنون توان جنبش مردمی، با توجه به اعتراضات و اعتصابات کارگری و دانشجویی و زنان در حد بالائی قرار دارد و این توان نیازمند اهرمهایی است که حرکات آن را موزون و مداوم سازد، تجربه هم به مردم ایران در داخل و هم در تبعید نشان داده است که جبهه دوم خرداد نه قصد و نه توان این "مهم" را دارد، بنابراین اتحاد و همبستگی و همکاری مشترک مسأله ای حیاتی است، با ایجاد یک جبهه وسیع از نیروهای مترقی و عدالتخواه و ضد استبداد میتوان بر دهان ارتجاع وحشی لگام زد و به استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی که سالهاست که برایش مبارزه می کنیم و حقمان نیز هست دست یابیم.

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۳۶)

اسماعیل وفا یغمایی

سلسله مظفریان (آل مظفر)

۷۲۳ - ۷۹۵ هجری، ۱۳۲۳ - ۱۳۹۳

میلادی

۱- مبارز الدین محمد مظفری ۷۲۳ - ۷۶۰ هجری . او حکمران یزد و نواحی جنوبی و منقرض کننده سلسله اینجوست . پس از انقراض سلسله اینجو بر وسعت قلمرو تحت سلطه او افزوده شد و بر اقتدار این امیر بیرحم و خونریز و بسیار متعصب در مذهب افزوده شد . او در سال ۷۵۸ هجری تبریز را فتح کرد ولی در هراس از تهاجم لشکریان سلطان اویس جلایری از تبریز باز گشت . در بازگشت از تبریز پسرانش شاه شجاع و شاه محمود که توسط پدرشان مورد تحقیر و تهدید به کور شدن قرار گرفته بودند بر پدر شوریدند و در اصفهان او را دستگیر و ابتدا در قلعه طبرک محبوس کرده چندی بعد به دستور شاه شجاع او را کور کردند . امیر مبارزالدین سر انجام در راه تبعید به قلعه بم در میان راه مرد . او در هنگام مرگ شصت و پنجسال داشت و به مدت چهل سال در یزد و اصفهان و شیراز و عراق حکومت کرد . امیر مبارز الدین شخصیتی شگفت داشت، از نماز و روزه و استغفار از گناهان و تلاوت قران و عبادات مختلف کوتاهی نمی کرد و سمبلی برجسته از آمران بالمعروف و ناهیان از منکر و کمک به سادات و آخوندها بود . او در اکثر اوقات با فقیهان و عالمان مذهبی دمساز بود . حکم قتل محکومان را از آنان می گرفت و در بسیاری اوقات گناهکاران را شخصا و گاه در هنگام تلاوت قران گردن می زد . امیر مبارزالدین دارالسیاده ها و بناهای مختلفی ساخت و مقوله مذهب و حکومت را در هم آمیخت . حافظ شیراز در برخی از غزلهای خود به او و کارهای او اشاره دارد و لقب محتسب را که مردم شیراز به امیر مبارزالدین داده بودند در شعرهایش برای او به کار برده است . شناخت روزگار حکمرانی و شخصیت تاریک امیر مبارزالدین - به مدد آثاری چون «از کوچه زندان» تألیف عبدالحسین زرین کوب، «در کوی دوست» تألیف شاهرخ مسکوب و ... - برای شناخت درونه اجتماعی شماری از شعرها و زاویه های نگاه شاعر و اندیشمند بزرگی چون حافظ که معاصر با امیر مبارزالدین بود ضروریست .

۲ - شاه شجاع مظفری ۷۶۰ - ۷۸۶ هجری .

۳ - شاه محمود مظفری ۷۶۰ - ۷۷۷ هجری

۴ - شاه عماد مظفری ۷۶۰ - ۷۹۵ هجری .

پس از مرگ امیر مبارزالدین محمد سرگذشت فرزندان او را باید باهم دنبال کرد زیرا شاهان سه گانه بعدی بعد از به زیر کشیدن پدر از تخت سلطنت همزمان حکومت بر مناطق تحت سلطه پدر را شروع کردند در این میان البته برتری با شاه شجاع بود. از شاهان سه گانه شاه شجاع در شیراز ، شاه محمود در ابرقو و عراق عجم و شاه عماد در کرمان زمام قدرت را در دست گرفتند . در آغاز کار به امر شاه شجاع برادر زاده بازمانده از شرف الدین مظفررا - که در زمان امیر مبارز الدین مرده بود - محبوس کردند . اما او توانست بگریزد و پرچم مخالفت را بر افرازد و به جنگ با شاه شجاع مشغول شود . حکایت این برادران سه گانه پدر کش از نمونه های عبرت انگیز جنگ بر سر قدرت در تاریخ ایران و قابل تامل است . مدتها بعد و پس از جنگها و کشاکشهای بسیار برای تصرف مناطق تحت حاکمیت یکدیگر ، سر انجام شاه محمود بر شاه سلطان که متحد شاه شجاع بود غلبه یافت و به دستور شاه محمود چشمان شاه سلطان را میل کشیده و کور کردند . عبرت روزگار اینکه شاه سلطان قبل از آن عامل کور کردن پدرش امیر مبارزالدین بود . پس از آن شاه محمود با سلطان اویس جلایر علیه شاه شجاع متحد شد و در نهایت شاه شجاع با ضعف و درماندگی از مقابله با نیروهای برادر و متحدانش شیراز را به شاه محمود سپرد و خود به ابرقو رفت. در ادامه کشاکشها سرانجام شاه شجاع سپاهیان شاه محمود را شکست داد و در سال ۷۶۷ هجری به شیراز وارد شد اما کشاکش بین او و برادرش تا سال ۷۷۶ هجری که سال مرگ شاه محمود است ادامه یافت . ادامه عمر شاه شجاع تا پایان به کشاکش با جلاپریان و سایر مدعیان سلطنت گذشت و سرانجام پس از بیست و شش سال سلطنت به علت افراط در شرابخواری در تاریخ یکشنبه ۲۲ شعبان سال ۷۸۶ هجری مرد و در شیراز مدفون گشت . شاه شجاع اندام و چهره ای زیبا داشت و در میدان جنگ بسیار متهور بود . او اگرچه قرآن را از حفظ داشت و در بسیاری موارد خود را مانند پدرش متشرع و مذهبی نشان میداد اما در زندگی شخصی اش از هیچ کاری پروا نداشت از جمله در سالهای آخر سلطنت به پسرش شبلی بدگمان شد و دستور داد چشمان او را کور کردند . او در پایان عمر نامه ای به امیر تیمور گورکانی و نیز نامه ای به سلطان

احمد جلایر نوشت و از آنان خواست از پسران او و حکومت آنها حمایت کنند . ۵ - شاه زین العابدین ابن شاه شجاع مظفری ۷۸۶ - ۷۸۹ هجری . دوران او نیز به کشاکش با سایر شاهزادگان مدعی سلطنت گذشت . در سال ۷۸۸ هجری امیر تیمور نامه ای به نزد او فرستاد و از او خواست که چون پدرش شاه زین العابدین را به امیر تیمور سپرده روانه دربار امیر تیمور شود . شاه زین العابدین به این نامه اعتنا نیکرد و لاجرم سپاهیان جرار امیر تیمور به سوی مناطق تحت حاکمیت مظفریان روانه شدند . شاه زین العابدین از ترس به بغداد گریخت . امیر تیمور با کشتاری هفتاد هزار نفری از مردم اصفهان روانه شیراز شد . پیش از رسیدن امیر تیمور سلطان احمد از شیراز بیکی فرستاد و حلقه اطاعت امیر تیمور را در گوش کرد و امیر تیمور ممالک تسخیر شده آل مظفر را میان شماری از شاهزادگان مظفری تقسیم کرد و در این میان حکومت شیراز به شاه یحیی ابن شاه مظفر سپرد .

۶ - شاه یحیی ابن شاه مظفر ۷۸۹ - ۷۹۵ هجری . کشاکش بر سر حکومت در دوران شاه یحیی نیز ادامه یافت و سرا نجام در نبودن امیر تیمور شاه یحیی مغلوب برادر خود شاه منصور گردید و شیراز در تحت سلطه شاهی دیگر قرار گرفت . سال ۷۹۵ هجری دوران پایان حکایت شاه منصور و خاندان مظفری توسط امیر تیمور است . در این سال در نبردی که میان سپاهیان شاه منصور و لشکریان امیر تیمور رخ داد علیرغم شجاعت و جنگاوری درخشان شاه منصور و سپاهیان و علیرغم اینکه چندین بار شاه منصور موفق شد خود را به محل استقرار امیر تیمور برساند و او را به خطر اندازد ، سرانجام در میدان جنگ کشته شد . امیر تیمور پس از دستگیری کسان شاه منصور و بسیاری از شاهزادگان آل مظفر در دهم رجب سال ۷۹۵ هجری مطابق با بیست و دوم می سال ۱۳۹۳ میلادی، در دهکده ماهیار درحوالی قمشه دستور داد تمام مظفریان را از کوچک و بزرگ و پیر و جوان به قتل برسانند و نیز دستور داد در سایر نقاط مظفریان کشتار شوند و به این ترتیب دوران مظفریان در خون به پایان رسید .

در باره آل مظفر

آل مظفر از اعقاب فردی از مردم خواف خراسان به نام غیاث الدین حاجی بودند. غیاث الدین حاجی در هنگام حمله چنگیز خراسان را ترک

خسرو گلسرخی

گردآوری: الف. آناهیتا
خسرو گلسرخی شاعر و نویسنده انقلابی ایران در سال ۱۳۲۲ در رشت متولد شد. او یکی از نادرترین روشنفکرانی بود که دردهای مردم را عمیقاً احساس می کرد و هیچ گاه ننگ تسلیم در برابر شرایطی که به رنج آنان راه می برد را نپذیرفت. خسرو گلسرخی برای مردم می سرود و می نوشت، او مردمش را دوست می داشت و برای آنان چون خزر خروشید و از خون خود پرچمی برافراشت. اشعار و نوشته‌های گلسرخی بیانگر واقعیات جامعه آن زمان و افشاگر استعمار، ستم طبقاتی و جنایات رژیم ستم شاهی حاکم بر ایران بود.
گلسرخی در مقاله "سیاست هنر، سیاست شعر" می نویسد: "در هنر نخست باید مبارزه علیه حقارتها، نومدیهها، بن بستها، و اخوردگیها و درویش مسلکها و این نیز بگذردها باشد، در ادبیات ما آینده نگری مرده است، گوئی برای انسانی که در این سوی جهان رنج می برد، استثمار می شود و مورد تجاوز قرار می گیرد آینده ای حتی متصور نیست و نباید تلاش رهنائی بخش او جانمایه نوشته ها شود".

بقیه در صفحه ۱۹

کرده و به یزد آمده و در این شهر مقیم شد . فرزندان غیاث الدین حاجی ، ابوبکر و محمد و منصور در خدمت اتابک یزد قرار گرفته و در هنگام هجوم هلاکو خان به بغداد با اتابک یزد به نیروهای هلاکو خان پیوسته و در فتح بغداد و کشتارها شرکت کردند . منصور در بازگشت به یزد همچنان به دستگاه حکومت بود . او سه پسر در نامه های محمد و علی و مظفر داشت . از علی و مظفر فرزندان پدید آمدند و این فرزندان و فرزندان آنان که نخست در خدمت مغولان بودند ملوک آل مظفر را تشکیل میدهند . امیر مبارزالدین محمد فرزند منصور، نخستین شاه نامدار سلسله مظفریان بود .

آل مظفر به مدت هفتاد و دو سال بر نواحی فارس ، کرمان ، یزد ، اصفهان و برخی نقاط خوزستان حکومت کردند. آنان نخستین مدارج قدرت را در خدمت مغولها طی کردند و چون به حکومت رسیدند اوقاتشان در جنگ قدرت به پدر کشی و برادر کشی و لشکر کشی در پی لشکر کشی گذشت . شاهان آل مظفر ، شجاع ، جنگاور ، دوستدار شعر، خشن و سخت کش بودند . (ادامه دارد)

رخساره‌های امپریالیسم در دوران یک ساله‌ی پس از یازدهم سپتامبر (۲)

نویسنده جیمز پتراز - ترجمه: ب. محله

دکترین بوش

دکترین بوش اساساً یک پروژه عمیقاً اراده‌گرایانه "خواست قدرت" است که چهار ایده محوری ساخت و بافت اساسی آن را تشکیل می‌دهد، که عبارتند از: جنگ‌های دایم؛ یک جانبه‌گرایی (خودمحوری)؛ مصونیت کیفری [جنایتکاران جنگی آمریکایی]؛ و جنگ هم‌زمان در چند صحنه. ایدئولوژی ضدتروریستی این دکترین را توجیه نموده و به نوبه خود یکی از نیروهای محرکه آن می‌باشد.

نخستین ایده محوری دکترین بوش این است که بنای امپراتوری اساساً یک پروژه نظامی است. به جز برخی نگرانیهای محدود برای کنترل بر منابع نفتی و یا ارتقاء صنایع نظامی، این دکترین هیچ گونه نظرکرد سیستماتیک به بنیادهای اقتصادی امپراتوری و یا به پی‌آمدهای اقتصادی الزامات نظامی فراگیر ندارد. هیچ اثری نیز از همگرایی میان کمپین نظامی/ضدتروریستی از یک سو و منافع کمپانیهای چندملیتی به چشم نمی‌خورد. پیشفرض دکترین بوش این است که در چارچوب سلطه نظامی ایالات متحده بر جهان، به خودی خود بستر لازم برای بسط اقتصادی این کشور فراهم می‌گردد. تردیدی نیست که این فرضیه در اساس نادرست است. برخی از فاکتورهایی که علیه این فرضیه وجود دارند به اختصار عبارتند از: رشد فزاینده رقابت‌های اقتصادی، فشار بیش از حد و زیان آور مخارج نظامی/ضدتروریستی (امنیت داخلی) بر اقتصاد، و تعمیق بحران اقتصادی در داخل.

دومین ایده کلیدی دکترین بوش دست زدن به اقدامهای یکجانبه، یا به عبارتی خودمحوری است. واشنگتن با کسی مشورت نکرده و به مذاکره نمی‌نشاند؛ در قدرت با کسی سهیم نشده، و غنایم به دست آمده را نیز با کسی قسمت نخواهد کرد. پیش از یازدهم سپتامبر یکجانبه‌گرایی (خودمحوری) به عنوان ابزاری برای زیرپا گذاشتن توافق‌نامه‌های بین‌المللی محیط زیست و قراردادهای محدود سازی کاربرد تسلیحات استفاده می‌شد. اما، از یازدهم سپتامبر به این سو یکجانبه‌گرایی (خودمحوری) به مبنای برای فرمولبندی و هدایت سیاست خارجی ایالات متحده بدل شده است. این سیاست در واقع چیزی جز تجاوز امپریالیستی به مخالفان و وادار ساختن متحدان اروپایی به تسلیم نیست. این سیاست صرفاً برای باز گذاشتن دست ارتش به عنوان نیروی محرکه ساختمان امپراتوری طراحی شده

است. دخالت نظامی در افغانستان و اشغال این کشور تصمیم یکجانبه ایالات متحده بود؛ انتخاب رژیم فعلی افغانستان و حمایت از این رژیم نیز، که چیزی بیش از یک عروسک خیمه شب بازی نیست، در واشنگتن تصمیم‌گیری شده است.

تهاجم نظامی آینده به عراق نیز دقیقاً از همان الگوی افغانستان پیروی می‌کند. سازماندهی و حمایت از کودتای [شکست خورده] نظامی علیه دولت قانونی ونزوئلا نیز منحصرأ به دست ایالات متحده انجام گرفت. پیمان نظامی ناتو، که به طور ضمنی اشاره بر نوعی از مشاوره با اروپاییها پیش از انجام هر گونه عملیات ماوراء بحار را دارد، دیربازی است که موضوعیت و حیات مفیدش را از دست داده است. چارچوب جدید بین‌المللی، کنترل کامل ایالات متحده [بر تمام دنیا] است، که در آن دولت‌های اروپایی و رژیم‌های مزدور [جهان سوم] باید نقش تأمین‌کننده مالی و پلیس را به عهده داشته باشند.

اصل سوم دکترین بوش برای جنایت‌کاران جنگی ایالات متحده مصونیت کیفری بین‌المللی قائل است. استراتژیستهای نظامی به این نکته خوب واقف اند که هر گونه توسعه طلبی و جهان‌گشایی امپریالیستی جز با توسل به جنایت‌های جنگی علیه غیرنظامیها امکان نخواهد داشت. دکترین نوین نظامی بمباران تمامی زیربناهای حیاتی، شکنجه و اعدام زندانیهای سیاسی، هدف قرار دادن غیرنظامیها در مناطق کشمکش، و سرپا نگه داشتن رژیم‌های دست‌نشانده به زور سرنیزه را شامل می‌شود. نفی کامل و قطعی صلاحیت قضایی دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی در به محاکمه کشاندن نیروهای مسلح امپریالیسم آمریکا از سوی واشنگتن اساساً به این معناست که ایالات متحده قصد دارد تا برای برپایی امپراتوری همه‌ی وسایل ممکن، از جمله جنایت علیه بشریت را به کار گیرد. دخالت نظامی و اشغال افغانستان حاکی از این واقعیت ملموس است. بمباران بیمارستانها، محله‌های مسکونی و جشنهای عروسی، شکنجه و اقرار گرفتن از اسرای جنگی، زیرپا گذاشتن آشکار کنوانسیون ژنو، که کاملاً نیز مستند شده است، همگی به روشنی نشان می‌دهند که چرا ایالات متحده صلاحیت قضایی هیچ گونه دادگاه عدالت بین‌المللی را نمی‌خواهد به رسمیت بشناسد. [اصل] مصونیت کیفری به ویژه در ارتباط با سرشت سراپا نظامی پروژه امپراتوری سازی است که اهمیت می‌یابد.

چهارمین مولفه دکترین بوش این ایده است که ایالات متحده توانایی حضور

هم‌زمان در صحنه‌های گوناگون جنگ، و در عین حال حضور در جنگ‌های مترتب بر آنها را داراست. اگرچه هنوز عملیات نظامی ایالات متحده در فیلیپین، کلمبیا و عراق به سطح عملیات جنگی در افغانستان نرسیده است، اما در مجموع به یک استراتژی فراگیر جنگی بدون اولویتهای اقتصادی، با نوعی بهره‌وری از منابع [ظاهراً] بیکران و حمایت افکار عمومی [در داخل ایالات متحده] اشاره دارد. دکترین جنگ‌های دایم به گسترش وسیع ابزار دولتی، یعنی افزایش هزینه‌های دولتی و دخالت بیشتر دولت در امور اقتصادی، نیازمند است. جنگ، امپریالیسم و اقتصادیات دولتی برای حمایت از آنها کدهای عملیاتی دکترین بوش را تشکیل می‌دهند.

ایدئولوژی عنصر کلیدی در رانش به سوی امپراتوری از طریق جهان‌گشاییهای نظامی است. از نقطه نظر معماران امپراتوری نظامی حُسن ایدئولوژی در نامحدود بودن آن است. [از نظر آنها ایدئولوژی] اجازه دخالت حداکثر در تمامی مناطق و علیه هر گونه مقاومتی را می‌دهد. زیرا، هدف آن نه تنها گروه‌های تروریستی قابل شناسایی است؛ بلکه تمامی کشورهایی را هم که به قولی تروریستها از آن جا عملیات انجام داده و هم چنین تمامی گروه‌هایی را که زمانی با آنها مراد داشته‌اند مورد هدف قرار می‌دهد. بدتر از آن، واژه "تروریست" آن چنان گل و گشاد تعریف شده است که می‌توان به هر گروهی که درگیر مبارزه علیه رژیم‌های نظامی، علیه امپریالیسم (یا بر علیه به اصطلاح جهانی شدن)، و یا درگیر مبارزه علیه رژیم‌های خون آشام محلی است، به دلخواه برچسب تروریستی زده و مورد هدف قرار داد. قیام‌های مردمی مانند FARK و ELN در کلمبیا از هم اکنون به عنوان گروه‌های تروریست نام‌گذاری شده، و در نتیجه انبوهی از نیروهای ویژه ایالات متحده و کمک‌های تسلیحاتی برای سرکوب آن‌ها به آن کشور فرستاده شده است.

ساختار امپراتوری

اگرچه موج جدید ایجاد پایگاه‌های نظامی در زمان کلینتون و با نظر به اهداف ژئوپلیتیک معینی شروع شد، اما دولت بوش پایگاه‌های نظامی ایالات متحده را در سراسر جهان گسترانده است. برای نمونه، در اواخر دهه‌ی نود، دولت کلینتون با

ایجاد پایگاه‌های نظامی در مانتا، اکوادور، سان سالوادور، آرژانتین و کلمبیا سعی نمود تا جنگ ضد انقلابی را که تحت عنوان "طرح کلمبیا" [توسط ایالات متحده] به راه افتاده بود تقویت نماید. در حالی که اکنون پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در سراسر جمهوریهای آسیای مرکزی، در ترکستان، قزاقستان، و تقریباً تمامی کشورهای همجوارشان گسترده شده است. برای حمایت از پایگاه نظامی مستقر در مقدونیه، بزرگترین پایگاه نظامی خودکفای ایالات متحده در خاک اروپا در کشور تحت اشغال کوزوو برپا شده است. در کنار پایگاه‌های قدیمی در چپایر^۴ در بولیوی، پایگاه‌های جدیدی نیز در شمال برزیل و شمال آرژانتین تأسیس شده است. کمپین به اصطلاح ضدتروریستی اکنون با عملیات ضدانقلابی و کمپین به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در هم آمیخته است تا زمینه را برای ایجاد باز هم بیشتر پایگاه‌های نظامی و هم چنین نفوذ و دسترسی به ابزار سرکوب محلی بیش از پیش فراهم ساخته، و در عین حال گردش آزادانه مأموران اطلاعاتی و نظامی ایالات متحده را در این کشورها، که زمانی مستقل بوده اند، تأمین نماید.

کاربست و نسخه برداری از روی قوانین و فرامین دولتی ضدتروریستی ایالات متحده از سوی رژیم‌های مزدور، ورود ایالات متحده را تسهیل نموده، و عملاً قوانین ایالات متحده را به قوانین آن کشورها تبدیل نموده است. مأمورین گمرکی ایالات متحده هم اکنون در بنادر عمده‌ی اروپا و آسیا سرگرم مأموریت‌هایی هستند که در شرایط عادی می‌بایست از سوی مأمورین محلی به انجام می‌رسید. قراردادهای جدید نظامی که در فیلیپین، اروپای شرقی، آمریکای لاتین و کانادا به امضاء رسیده است راه را برای عملیات نظامی مشترک تحت فرماندهی و کنترل ایالات متحده هموار می‌سازد.

پنتاگون، کاخ سفید و طبقه سرمایه دار ایالات متحده

برجسته‌ترین وجه پروژه‌ی فعلی امپراتوری سازی ایالات متحده استقلال پنتاگون از بیشترین بخشهای طبقه‌ی سرمایه دار است. اگرچه از نظر تئوریک گفتن این که ارتش مطلقاً مستقل از طبقه‌ی سرمایه دار بقیه در صفحه ۱۷

^۲ Manta
^۳ Aruba
^۴ Chapare

رخساره‌های امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱۶

است درست نیست، اما، واقعیت این است که آزادی عمل اش در حال حاضر بی تردید از "استقلال نسبی" معمول اش تحت دولتهای سرمایه داری بسا فراتر رفته است.

نخست این که پنتاگون به طور مرتب در مناطقی دخالت کرده است که سودآوری چندانی نداشته است؛ عملیاتی که نسبت خرج به دخلش بسیار بالاست. برای نمونه می توان از افغانستان، کوزوو، مقدونیه، فیلیپین، پاکستان و غیره نام برد. نکته دوم این است که عملیات نظامی پنتاگون در سرزمینهای نفت خیز (به طور عمده خاورمیانه که اتفاقاً برای کمپانیهای عمده ایالات متحده منافع سرشاری دارد) دشمنی شدیدی را علیه ایالات متحده برانگیخته است. سوم این که دولت بوش به رغم خواست صدها میلیون مسلمان^۱ و در تقابل آشکار با منافع حیاتی اقتصادی ایالات متحده، در راستای منافع یک قدرت استعماری توسعه طلب و جنگ افروز، از اسرائیل به طور بلاشروط حمایت نموده است. نکته آخر این که هزینه های اقتصادی پروژه های حاضر رقمی است نجومی، در حالی که مزایای اقتصادی آن تنها به دایره کوچکی از کمپانیهای تسلیحاتی ختم می شود. کسر بودجه افزایش یافته، محدودیتهای امنیتی با ایجاد تأخیر و تنگناهای دیگر باعث بالا رفتن هزینه های بازگانی شده و صنایع حمل و نقل و مسافرت، علی الخصوص حمل و نقل هوایی، صنایع هواپیمایی، هتلداری و خدمات دیگر، در هم شکسته شده است. ترورفروشی که تنها در خدمت افزایش بودجه های نظامی، اطلاعاتی و پلیسی قرار دارد، با ایجاد فضای عدم امنیت باعث سلب اعتماد سرمایه از بازار ایالات متحده و فرار آن گشته است. اگرچه دولت بوش از قوانین مالیاتی جدید به نفع سرمایه داران سخن گفته و آن ها را تصویب می کند، اما تعقیب استراتژی نظامی گلوبال از سوی این رژیم وجوه اقتصادی پروژه ای امپراتوری سازی را فرج بر ارتش می سازد.

عروج ارتش در روند امپراتوری سازی با رشد کلی دولت گرایی همراه بوده است - یعنی مداخله دولت در اقتصاد، جامعه، زندگی خصوصی و آزادیهای فردی و اجتماعی. به احتمال قوی دولت بوش

حمایت خواه ترین رژیم در تاریخ معاصر است؛ رژیمی که برای منسوجات، الوار، کالاهای کشاورزی، [فولاد] و غیره تعرفه های حمایتی وضع نموده، و در عین حال یارانه های کشاورزی را افزایش داده و بر واردات سهمیه بسته است. مداخله وسیع و فراگیر دولت در امور جامعه مدنی از طریق گذراندن قوانین رژیم پلیسی مانند قانون مام وطن، قانون امنیت وطن و TIPS جملگی آزادیهای فردی را محدود نموده و زمینه های ابراز آزادانه ای مخالفت عمومی را از میان می برد.

امپریالیسم تحت رهبری بوش به یک سیستم بازگانی دولت گرا بیشتر از مدل نئولیبرال نزدیک است. اگرچه لفاظیهای مربوط به بازار آزاد از میان نرفته است، اما بیش از پیش تحت الشعاع تبلیغات سرگیجه آور دولت و نظامیها در باره "جنگهای دایم" و "ضدتروریسم" قرار گرفته است. به موازات تضعیف اقتصاد و فشار طبقه سرمایه دار به بوش برای چاره جویی، معماران امپراتوری نظامی با در دست گرفتن سکان رهبری، "راه حل" را در کشاندن جنگ به مناطق استراتژیک اقتصادی (عراق و ایران) می بینند. از نظر معماران امپراتوری نظامی، جنگ علیه عراق و مستعمره ساختن آن برای طبقه سرمایه دار منافع کلان اقتصادی به همراه خواهد داشت، که نتیجتاً حمایت آن ها را از استراتژی "جنگهای دایم" تقویت خواهد نمود. در عین حال چنین امری به مثابه ی سکوی پرشی در خدمت جنگها و کشورگشایی های آینده در منطقه خلیج فارس، از جمله ایران، خواهد بود. در حالی که در گذشته جنگ و بحرانهای اقتصادی غالباً به یکدیگر وابسته بودند، اما جنگهای تازه ای امروز عمدتاً در خدمت منافع بخشهای اقتصادی نزدیک [به حاکمیت] - وابسته به منافع بخش انرژی و نفت - قرار داشته، و شکاف میان این بخش و باقی طبقه سرمایه دار را عمیق تر می سازد. بر این بستر است که جنگ تنها به بسط و ادامه ی رفیق بازی با ابزار نظامی تبدیل شده است.

تردیدی نیست که ساختمان امپراتوری نظامی، هم در شکل وهم در محتوی، استعماری است. امپراتوری ای که در حال پدیدار شدن است بر اساس اشغال سرزمینهای دیگران، تحمیل حکام دست نشانده و تحت کنترل گرفتن امور دولتی و اقتصادی مستعمرات بنا شده است. ایالات متحده با جمهوریهای سابق یوگسلاوی، یعنی کوزوو، مقدونیه و مانتو نگر، روابط استعماری ایجاد نموده است؛ این کشور دو سوم حریم هوایی عراق را اشغال نموده و به طور غیر مستقیم از

طریق مزدوران گردش شمال عراق را تحت کنترل دارد. این امپراتوری در سراسر آسیای مرکزی، فیلیپین و پاکستان یادگانهای نظامی برپا ساخته است؛ و در بولیوی، برزیل، کلمبیا، السالوادور، اکوادور و اروپا تأسیسات و پایگاههای نظامی ایجاد نموده است. امپراتوری برای نیروهای امنیتی اش "برون مرزیت" قابل شده و دولت های مزدورش را وادار به گذراندن قوانین "ضدتروریستی" ساخته و کشورهای بسیاری را در پنج قاره به پیروی از منویاتش در تعقیب مخالفینش مجبور ساخته است.

تضادهای ساختمان امپراتوری

سه دسته از تضادهای بنیادینی که معماران امپراتوری با آن روبرویند، پس از یازدهم سپتامبر تشدید شده است. این تضادها عبارتند از: تضادهای داخلی میان منافع متناقض طبقه سرمایه دار و دولت؛ تضادهای موجود میان منافع امپریالیستهای رقیب (اروپا و ایالات متحده)؛ و تضادهای موجود میان امپراتوری و علائق اجتماعی-سیاسی نیرومند در آمریکای لاتین و دیگر مناطق جهان.

در طی یک ساله ی پس از یازدهم سپتامبر کشاکشهایی در درون حاکمیت و تضادهای اقتصادی جدی بروز نموده است، که به اختصار می توان این گونه برشمرد: الف- برتری دولت (یعنی ابزار نظامی-اطلاعاتی) بر منافع کمپانیهای چندملیتی (تشدید امنیتی در برابر سود سرمایه)، ب- حق تقدم سرزمین گیری بر بازار (اشغال کشورهای حاشیه ای به سبب رشد رقابت در بازارهای کشورهای پرونوق)؛ پ- ارتقاء بخش های زردی خوار سرمایه داری (مانند انرژی، ورلدکام^۲، و غیره) در مقابل سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی؛ ج- افزایش مخارج ابزار گسترش یابنده دولتی به قیمت به حاشیه رانده شدن بنیادهای شکننده تولیدی امپراتوری.

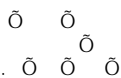
تضادهای داخلی دولت بوش

تضادهای داخلی دولت بوش خود را در کسر بودجه، هنگفت و تخفیف مالیاتی برای ثروتمندان، و هم زمان کاستن از هزینه های خدمات اجتماعی و افزایش بیکاری نشان می دهد. هزینه های جنگی "بودجه را به ورشکستگی" کشانده، و باعث شده است که ارتش سالاران در برابر بانکدارها قرار بگیرند؛ کاهش مالیاتی به نفع یک درصد بالای جامعه دقیقاً با

منافع دهها میلیون نفر، که صدها میلیارد دلار سپرده های صندوق بازنشستگی و سرمایه گذارهای شان را از دست داده اند، در تضاد است؛ سیاست جنگهای دایمی در تقابل با خواسته های مردمی قرار دارد که بر علیه جهانی شدن بسیج شده اند، و بیش از آن که گوش به تبلیغات "ضدتروریستی" بسپارند، نگران سقوط استانداردهای زندگی هستند. این مخالفتها اشکال گوناگون به خود می گیرد. بی اثرترین و نازل ترین شکل این مخالفت رأی ندادن به کاندیداهای جمهوری خواهان در انتخابات کنگره است^۳، که متأسفانه به انتخاب دموکراتها، که جز تفاوت اسمی اختلاف دیگری با جمهوری خواهان ندارند، می انجامد. سناریوی دیگری که ممکن است اتفاق بیفتد این است که جنبش ضدجهانی شدن با نارضایتیهای برآمده از مشکلات اقتصادی در هم آمیزد، و به همراه گروههای ضدجنگ به خیابانها سرازیر شده و آلترناتیوی را در برابر هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات قرار دهد.

تضاد فیما بین دکنترین بوش و امپریالیسم اقتصادی در ساختار این رژیم، و در ارتباط تنگاتنگ میان سرکردگان نظامی / اطلاعاتی آن با نظریه پردازان دست راستی و غولهای صنایع نظامی نهفته است. مادامی که رژیم بوش در قدرت بماند، و یا با دولت مشابهی از سوی دموکراتها جایگزین شود که استراتژی ضدتروریستی به منظور سلطه گری بر جهان را بیذیرد، این تضاد حل نخواهد شد. این تضاد در صورت تعمیق بحران اقتصادی ممکن است حل شده و یا تشدید گردد. در صورت تشدید بحران اقتصادی، یک بخش از حاکمیت جنگ را به منظور انحراف افکار عمومی از بحران برمی گزیند؛ در حالی که بخش دیگر حاکمیت از تعهدات [نظامی] در آن سوی آبها خواهد کاست. به رغم آن که برخی از سرشناس ترین سخنگویان سرمایه داری - از جمله جیمز بیکر وزیر خارجه کابینه جورج بوش (پدر) - بر علیه دخالت نظامی در عراق موضع گرفته اند، اما تا کنون هیچ کدام از دو حزب به سمت راه حل اخیر گرایشی نشان نداده است.

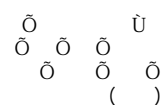
ادامه دارد

5


()
 James Baker⁶

WorldCom⁴

Protectionist²
 Homeland Security Act³

1


----- اخبار فرهنگی

صدمین سالگشت تولد صادق هدایت

بنیانگذار رمان نو در ایران



صادق هدایت صادق بنیانگذار رمان نو در ایران، در ۲۸ بهمن ماه سال ۱۲۸۱ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در تهران در مدرسه دارالفنون و سن لویی به پایان رساند و به بلژیک و بعد از آن به فرانسه رفت که درس راه و ساختمان بخواند. او سرانجام در سال ۱۳۳۰ در پاریس خودکشی کرد.

هدایت غیر از کتاب فواید گیاهخواری که در سال ۱۳۰۶ در برلین نوشت، در عرصه داستان نویسی این آثار را از خود به جای گذاشت: مجموعه داستان زنده به گور (۱۳۰۹)، پروین دختر ساسان (۱۳۰۹)، اصفهان نصف جهان (۱۳۱۱)، مجموعه داستان سه قطره خون (۱۳۱۱)، مجموعه داستان سایه روشن (۱۳۱۲)، علویه خانم (۱۳۱۲)، ولنگاری (۱۳۲۳) نیرنگستان (۱۳۱۲)، مازیار (۱۳۱۲)، وق وق صاحب (۱۳۱۳)، ترانه‌های خیام (۱۳۱۳)، بوف کور - بمبئی (۱۳۱۵)، مجموعه داستان سگ ولگرد (۱۳۲۱)، گزارش رمان شکن (۱۳۲۲)، کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۲)، حاجی آقا (۱۳۲۴)، گروه محکومین (۱۳۲۷)، مسخ (۱۳۲۹) و مجموعه نوشته‌های پراکنده (۱۳۲۴).

در یکصدمین سالروز تولد صادق هدایت مراسمی در خانه هنرمندان برگزار شد، در این مراسم محمود دولت‌آبادی و امیرحسین چهلتن پیرامون شخصیت و نقش هدایت در ادبیات ایران سخنرانی کردند. در پایان این جلسه به برگزیده اولین دوره داستان نویسی صادق هدایت، تندیس ویژه و لوح تقدیر اهدا شد.

در گذشت پروفیسور عدل

روز دوشنبه ۱۴ بهمن پروفیسور عدل در تبریز درگذشت. مراسم گرامی داشت این استاد برجسته در روز جمعه ۲ اسفند در تبریز برگزار می شود.

نبرد خلق درگذشت پروفیسور عدل را به خانواده و به فرهنگیان و جامعه علمی ایران تسلیت



می گوید.

در گذشت یوسف صفوت

یوسف صفوت، بنیانگذار شیوه‌های جدید شطرنج ایران و ملقب به «مرد حافظه‌ی شطرنج» روز چهارشنبه ۸ بهمن در سن ۷۱ سالگی در گذشت.

زنده یاد یوسف صفوت که دارای سابقه‌ای طولانی در شطرنج ایران بود، در سال ۱۳۳۵ قهرمان کشور شد و توانست در سالهای ۱۳۳۳، ۱۳۳۸، ۱۳۴۴ این عنوان را تجدید کند. استاد صفوت که به «سیروس» شهرت داشت، ۱۵ سال عضو ثابت تیم ملی شطرنج ایران بود.

شرکت در المپیاد مسکو در سال ۱۳۳۵، المپیاد مونیخ سال ۱۳۳۷، المپیاد آسیایی در فلیپین و مدرس شطرنج از دیگر افتخارات وی به شمار می آید. نبرد خلق درگذشت زنده یاد یوسف صفوت را به خانواده و دوستان ورزش شطرنج تسلیت می گوید.

در گذشت دکتر عبدالکریم قریب

دکتر عبدالکریم قریب، استاد زمین شناسی که از چندی پیش به دنبال بروز مشکلات قلبی تنفسی



در بیمارستان پاستور نو تهران بستری بود، شامگاه پنجشنبه ۱۷ بهمن درگذشت.

دکتر عبدالکریم قریب از پیشکسوتان دانش زمین شناسی در ایران بود که حدود ۷۰ سال به تعلیم و تدریس این رشته در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های کشور اشتغال داشت. برای تجلیل از مقام علمی سوابق درخشان آموزشی استاد، بخش زمین شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران به نام وی نام‌گذاری شده، دانشگاه تربیت معلم اراک نیز در سال ۱۳۵۰ توسط وی پایه‌گذاری شده است.

روز یکشنبه ۲۰ بهمن پیکر دکتر عبدالکریم قریب بنیانگذار دانشگاه اراک بر طبق وصیتش در محوطه دانشگاه آزاد آشتیان به خاک سپرده شد.

نبرد خلق درگذشت دکتر عبدالکریم قریب را به خانواده و به فرهنگیان و جامعه علمی ایران تسلیت می گوید.

در گذشت استاد محمدعلی حدادیان

استاد محمدعلی حدادیان، نی نواز برجسته ایرانی، صبح روز یکشنبه ۱۳ بهمن در بیمارستان جم درگذشت. استاد حدادیان در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد؛ او در سال ۴۶ وارد دانشگاه تهران شد و موسیقی را از محضر اساتیدی چون نور علیخان برومند کسب کرد.

استاد حدادیان زیرنظر عبدالله داوودی، سعید هرمزی، یوسف فروتن، دکتر داریوش صنعت و علی اصغر بهاری کار کرد و با استاد سروستانی، حسین علیزاده و داوود گنجه‌ای نیز برنامه‌هایی را اجرا کرده است.

نبرد خلق درگذشت استاد محمدعلی حدادیان را به خانواده و جامعه هنری ایران تسلیت می گوید.

در گذشت رضا ژیان هنرمند نمایش و سینما

رضا ژیان هنرمند فعال و صاحب نام در عرصه‌ی هنرهای نمایشی روز یکشنبه ۲۷



بهمن در بیمارستان شهریار درگذشت.

رضا ژیان در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد بعد از اتمام تحصیلات خود و اخذ مدرک دیپلم، فعالیت هنری را در حوزه سینما و تئاتر آغاز کرد. وی علیرغم این که تحصیلات آکادمیک نداشت یکی از افرادی بود که تحت سخت‌ترین شرایط تئاتر کار کرد.

وی در تئاترهای "خاطرات یک جامعه‌دار"، "حالت چه طور مش رحیم"، "گلدونه خانم"، "مرگ تصادفی"، "زیبا اهل خرابات"، "عشق روی خربشته" و در فیلم‌های "سیاه راه"، "آتش در زمستان"، "سرزمین تلخ"، "مومیایی ۳" و در مجموعه‌های تلویزیونی "کیف"، "طلوع"، "مثل آباد"، "محله بهداشت"، "محله‌ی برو بیا"، "لطایف و طویف" و "به دنبال سیمرغ" نقش آفرینی کرد.

نبرد خلق درگذشت این هنرمند برجسته را به خانواده و جامعه هنری ایران تسلیت می گوید.



روزنامه کیهان ۶ اسفند ۱۳۵۷ نیز وصیت نامه گلسرخي و کرامت دانشيان که از جمله اسنادی بود که در حمله و فتح زندان قصر به دست سازمان چریکهای فدائی خلق ایران افتاده بود و در اختیار مطبوعات قرار گرفت را چاپ کرد. در وصیت نامه گلسرخي از جمله آمده است:

“من یک فدائی خلق ایران هستم و شناسنامه من جز عشق به مردم چیز دیگری نیست. من خونم را به توده های گرسنه و پابرنه ایران تقدیم می کنم و شما آقایان فاشیستها که فرزندان خلق محروم ایران را بدون هیچ گونه مدرکی به قتلگاه می فرستید ایمان داشته باشید که خلق محروم ایران انتقام فرزندان خود را خواهد گرفت.”

در واپسین پیام دانشیان آمده است:

“مرگ ناچیزترین هدیه ما برای پیروزی مردم است، هر مرگ دریچه ای است که به روی تباهی بسته می شود، هر مرگ دریچه ای است که به روی دروغ، فحشا و فقر و گرسنگی بسته خواهد شد و آنگاه دریچه ای باز خواهد شد که از آن نور زندگی بتابد، به این نور تن بسپارید... به این نور!!”

“فدائی مردم کرامت دانشیان”

نام خسرو گلسرخي و کرامت دانشيان در تاریخ پر افتخار مردم ایران همچون مشعلی تابناک می درخشد و نمادی از مقاومت و استواری آن منبع و الهام بخش کلیه شاعران و هنرمندان انقلابی به شمار می رود. مجموعه اشعار گلسرخي با عنوان “دستی میان دشنه و دل” به چاپ رسیده است.

شعری بی نام

در سینه ات نشست

زخم عمیق کاری دشمن

اما

ای سرو ایستاده نیفتادی.

این رسم توست که ایستاده بمیری

در تو ترانه های خنجر و خون

در تو پرندگان مهاجر

در تو سرود فتح

این گونه چشמהای تو روشن

هرگز نبوده است

با خون تو، میدان توپخانه

در خشم خلق، بیدار می شود

مردم ز آسوی توپخانه بدین سو

سرازیر می کنند

نان و گرسنگی به تساوی تقسیم می شود

ای سرو ایستاده

این مرگ توست که می سازد

دشمن دیوار می کشد

این عابرابن خوب و ستم بر

نام تو را، این عابرابن ژنده نمی داند

و این دریغ هست، اما

روزی که خلق بداند

هر قطره خون تو محراب می شود

این خلق، نام بزرگ تو را

در هر سرود میهنی اش

آواز می دهد

نام تو، پرچم ایران

خزر به نام تو زنده ست.

“خسرو گلسرخي”

یادشان گرمی و راهشان پر رهرو باد.

سالهای ۴۸ و ۵۱ دوران خلاقیت و شکوفائی فکری گلسرخي بود، او در طی این سالها اشعار و مقالات و نقدهای بسیاری بر آثار ادبی نگاشت و با قلم خود به افشای دستگاه حکومتی عمیقاً فاسد شاه پرداخت و مردم را به مبارزه با استعمارگران فرا می خواند.

کنون ای رهروان خلق

تاریکی معدوم است

سپیدی حاکم و در دادگاهش هر سیاهی طرد و محکوم است

کنون باید برخیزیم و خون دشمنان تا پای ریزیم

دگر وقت قیام است و قیامی بر علیه دشمنان است

و بدین گونه بود که پشت دیکتاتوری سلطنتی مخوف

آن زمان را آن چنان به لرزه در آورد که عوامل و

نوکران امنیتی شاه (ساواک)، دیگر تاب تحمل آن

همه محبوبیت در میان مردم و روحیه سازش ناپذیری

او را نداشتند با حمله به یک محفل روشنفکری،

گلسرخي را همراه عده ای دیگر از روشنفکران

دستگیر کردند و به سپاهچال انداختند. کرامت

دانشیان، رفیق و همزم گلسرخي تا آخرین روزها در

کنار او بود. این دو در بیدادگاه های رژیم ستم شاهی

که بیشتر به بازارهای مکاره شباهت داشت به

مقاومت کم نظیری پرداختند و به بیچارگی و زبونی

دستگاه حکومتی شاه خائن آن زمان صحنه گذاشتند.

در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۲، خسرو گلسرخي و کرامت

دانشیان، دو مبارز انقلابی توسط رژیم شاه تیرباران

شدند، جرم آنان دفاع از محرومان و اعتراض به

دیکتاتوری بود. دفاعیات این دو فرزند انقلابی مردم

ایران در بیدادگاههای رژیم شاه، پس از قیام و در

سالگرد اعدامشان یعنی یک هفته بعد از سرنگونی

رژیم شاه در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ از تلویزیون

پخش شد. این دفاعیات در کیهان ۳۰ بهمن، فردای

پخش برنامه نیز انتشار یافت. قسمتهائی از دفاعیات

گلسرخي به نقل از کیهان ۳۰ بهمن سال ۱۳۵۷

چنین است:

“ من در این دادگاه برای جانم چانه نمی زنم، حتی

برای عمرم چانه نمی زنم، من قطره ای ناچیز از

عظمت و حرمان خلقهای مبارز ایران هستم. خلقی

که مزدکها و مازیارها، بابکها و یعقوب لیث ها، ستارها

و حیدرعمو اقلیها، پسیانها، میرزا کوچک خانها، ارانی

ها و روزبه ها و وارثانها داشته است.. آری! من برای

جانم چانه نمی زنم چرا که فرزند خلقی مبارز و دلاور

هستم.”

کرامت دانشیان نیز در دفاعیات خود گفت:

“ در بیدادگاه اول بنا بر شرایط فاشیستی حاکم بر آن،

دفاعیات مرا ناتمام شنیدید، همچنین دفاع رفیقم

خسرو گلسرخي را ... اما من دفاعم جز دفاع از

حقوق توده های فقیر و تحت ستم و حمله به ضد

انقلاب و دشمنان قسم خورده مردم چیز دیگری

نیست، اگر وحشی از نیروی انقلابی و مبارزات مردم

ندارید و در واقع به مرگ طبقه حاکم بر ایران مؤمن

نیستید تاریخ این واقعیات را نشانتان خواهد داد

... ایمان ما به پیروزی جنبش نوین ایران و سراسر

جوامع طبقاتی جهان عظیم ترین قدرت است و این را

بگوئیم که “مارکسیسم” هیچ گاه مورد خوشایند طبقه

حاکم و وابستگان آنان نیست.”

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۱۷ یورو

۲۴ دلار

۴۰ دلار

۱۱ دلار

۱۱ یورو

اروپا معادل

آمریکا و کانادا و سوئد

استرالیا

تک شماره

فرانسه

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jongeh-khabar.com

اخبار روزانه را در جنگ خبر مطالعه کنید

جنگ صدا

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر

هفته را بر روی شبکه اینترنت گوش کنید

http://www.jongeh-seda.com

خسرو گلسرخي

بقیه از صفحه ۱۵

گلسرخي در مورد نقش هنر و مسئولیت هنرمند در جامعه می گوید: “هیچکس نمی تواند هر پدیده ای را به واقع بررسی کند بی آن که آن را با زمان، ضرورت و دیالکتیک آن منطبق نماید. من با این اعتقاد هنر را بازتاب کنشهای اجتماعی و برای اجتماع می بینم.”

گلسرخي معتقد بود “چه طور هنرمند می تواند به آسودگی چرت بزند و در فاصله چرتهای طولانی خود، دهن دره کند و بگوید “ادبیات متعهد” !!!

NABARD - E - KHALGH

No : 213 20. Feb . 2003 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank.... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادای فدایی

اسفند ماه

رفقا: رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی قاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلاتر نیسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوربان - جلیل خورای نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

oooooooooooooooooooooooooooooooooooo

بازداشت شده‌اند و طی دوران بازداشت رفتاری مغایر با موازین حقوق بشر در مورد آنان اعمال شده و اکنون در ایران و یا خارج از ایران زندگی می‌کنند، می‌توانند با مراجعه به محل اقامت این هیأت در هتل لاله تهران (تا تاریخ ۶ دی) و دفتر سازمان ملل و یا با تلفنهای ۰۰۴۱۲۲۹۱۷۹۲۳۲ و شماره فکس ۰۰۴۱۲۲۹۱۷۹۰۳ در ژنو تماس گرفته و اطلاعات خود را در اختیار آنان قرار دهند.

خواست اعزام یک هیأت تحقیق بین المللی به ایران برای بررسی قتل‌های سیاسی زنجیره ای و بررسی قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ و اعلام اسامی و محل دفن همه ی آنان می‌تواند در سر لوحه درخواستهای خانواده های شهدا و قربانیان از هیأت گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد باشد

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دو شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۱

پیام به

زندانیان سیاسی و عقیدتی و فعالان

سندیکایی،

خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا و

جانباختگان،

خانواده فعالان سندیکایی زندانی،

خانواده های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره

ای،

خانواده های قربانیان قتل عام زندانیان

سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷،

زنان و جوانانی که مورد آزار و اذیت نهاد

سرکوبگر «امر به معروف و نهی از منکر»

قرار گرفته اند؛

سرانجام با مقاومت دلیرانه هزاران زندانی سیاسی و با افشاگریهای گسترده ایرانیان در سراسر جهان و فعالیت‌های شبانه روزی مقاومت ایران، استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما تن به بازدید یک هیأت از گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران داد.

اکنون هیأت گزارشگران و گروه کاری «بازداشت‌های خودسرانه» به ریاست آقای «لویی ژوانه» عضو دیوان

عالی کشور فرانسه در ایران به سر می‌برند و سران

جمهوری اسلامی می‌کوشند تا با عوامفریبی، وقت

تلف کردن، کارشکنی و ایجاد موانع بسیار برای هیأت

از افشای حقایق در مورد جنایتهای بیشماری که

مرتکب شده‌اند جلوگیری کنند. در چنین فرصت

مناسبی جا دارد که همه ی کسانی که طی سالهای

گذشته از نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم لطمه

دیده‌اند با این هیأت تماس گرفته و حقایق مربوط به

جنایتهای رژیم را برای آنان تشریح کرده و خواستار

تضمین کافی برای تامین امنیت خود پس از خروج

هیأت از ایران شوند. تماس گیرندگان می‌توانند تمامی

موارد مربوط به برخورد با زندانیان، وضعیت زندانها و

تمامی اشکال شکنجه که در مورد آنان و یا بستگانشان

اعمال شده را به طور کتبی تنظیم و به هیأت ارایه

دهند.

یکی از مواردی که این هیأت به آن می‌پردازد موضوع

«بازداشت‌های خودسرانه» است و این تنها شامل

افرادی که هم‌اکنون در زندانها به سر می‌برند، نمی‌شود.

تمامی افرادی که به هر شکل، زمانی

گرامی باد خاطره رزمندگان

دلیر راه آزادی

موسی خیابانی، اشرف رجوی و

۱۸ رزمنده دیگر مجاهد خلق



در روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۹۰، پاسداران جنایتکار رژیم خمینی به یکی از پایگاههای رزمندگان مجاهد خلق در زعفرانیه تهران با حداکثر نیرو یورش بردند. رزمندگان دلیر این پایگاه به فرماندهی مجاهد دلیر موسی خیابانی طی یک مقاومت حماسی و دلیرانه تا آخرین گلوله با پاسداران جهل و جنایت نبرد کردند و به شهادت رسیدند.

در این نبرد حماسی مجاهدان دلیر موسی خیابانی، اشرف رجوی، آذر رضایی، محمد مقدم، مهشید فرزانه سا، عباسعلی جابرزاده، ثریا سنماری، تهمنه رحیم نژاد، طه میرصادقی، فاطمه نجاریان، شاهرخ شمیم، ناهید رافتی، حسن مهدوی، محمد معینی، کاظم مرتضوی، خسرو رحیمی، مهناز کلانتری، حسن پورقازی، سعید سعید پور و حسن بخشافر طی یک نبرد نابرابر به شهادت رسیدند.

در بیست و یکمین سالگرد شهادت این مجاهدان قهرمان یاد و خاطره آنان را کرامی می‌داریم.